

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۵ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ * (۷ ذی حجه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) طرح قانونی راجع به تعطیل عمومی روزهای جمعه
- ۳) تصویب يك فقره اعتبار نامه
- ۴) تصویب لایحه استخدام سه نفر متخصص
- ۵) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف
- ۶) استرداد و تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه
- ۷) تصویب فوریت لایحه تخفیف باندرل تریاک
- ۸) شور و تصویب لایحه خالصجات انتقال
- ۹) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس سی و یکم فروردین ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای دیبا
 دیبا - بنده قبل از دستور عرض دارم.
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای دیبا
 [۲ - طرح قانونی راجع به تعطیل روزهای جمعه]
 دیبا - يك فقره طرح قانونی است راجع به تعطیل عمومی
 روزهای جمعه تقدیم مجلس شورای مینمایم و تقاضا
 می‌کنم در مجلس قرائت شود که به کمیسیون فرستاده شود
 البته نظر دولت هم جلب خواهد شد
 رئیس - میل دارید قرائت شود؟
 طباطبائی دیبا - بلی.
 مقام محترم مجلس شورای ملی - نظر به اینکه برای
 جامعه عموماً و بالخصوص برای اشخاص زحمت کش هفته

* عین مذاکرات مشروح بیست و چهارمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه. (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰) دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : اشتیانی - ارباب کیخسرو - دکتر سنگ
 حیدری - هراز
 غائبین بی اجازه - آقایان : تیمور تاش - دبستانی - حاج محمد رضا بهبهانی - مرتضی قلیخان بیات - اعظم زنگنه - روحی -
 آقا رضا مهدوی - مسعود ثابتي - شریعت زاده - معتضدی
 دبر آمدگان با اجازه - آقایان : عراقی - افغنی - یونس آقا وهاب زاده - دکتر سببی.

یکروز استراحت و تعطیل حتمی است و نظر باینکه روز جمعه مناسب ترین روز برای مقصود فوق است و نظر باینکه اجراء آن نباید در تحت نظم و قانونی باشد مواد ذیل را بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تصویب آن را خواستاریم

ماده اول - مجلس شورای ملی روز های جمعه را در عرض سال تعطیل عمومی اعلام مینماید

ماده دوم - دکاکین و مغازه هایی که از حیث اجناس طرف احتیاج روزانه عمومی است با ترتیب نوبه و تشخیص بلدی هر محل باز و از تعطیل معاف خواهد بود ماده سوم - نصف مزد کارگران روز مزدی در موقع تعطیل روز های جمعه از طرف صاحبان دکاکین و مغازه ها تأدیه خواهد شد

ماده چهارم - وزارت داخله نظامنامه اجرای این قانون را تنظیم و بعد از تصویب هیئت وزراء بموقع اجرا خواهد گذاشت طباطبائی دلبا - سید مرتضی وثوق . طهرانی . . . (۱۵ نفر از آقایان)

کازرونی - باید تمام مزد را بدهند .

افسر - در کمیسیون باید اصلاح شود .

کازرونی - صحیح است باید اصلاح شود . (صدای زنگ)

رئیس - آقارعبایت انتظامات را بفرمائید .
[۳- تصویب يك فقره اعتبار نامه]

رئیس - آقای اعتبار (احضار برای قرائت خبر)

خبر شعبه ۵

بر طبق مقررات جاریه انجمن انتخابات قشقائی در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۰۹ تشکیل و بانجام وظائف محوله میپردازد در تاریخ دوم فروردین ماه ۱۳۱۰ انجمن از جریان انتخابات فراغت حاصل نموده و بقرائت آراء مأخوذه میپردازد در نتیجه آقای محمد ناصر خان قشقائی از ۱۱۰۸۲ ورقه آراء مأخوذه با کثرت ۱۰۱۰۰ رأی بنمایندهای حوزه قشقائی انتخاب و چون هیچگونه شکایتی

بانجمن و مجلس نرسیده شعبه پنجم باتفاق بنمایندهای ایشان را تصدیق و خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - موافقین باصحت انتخاب آقای محمد ناصر خان قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد
[۴- تصویب لایحه استخدام سه نفر متخصص]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع با استخدام سه نفر متخصص برای راه آهن قرائت میشود :

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۱۹۴ ر ۱۶۶۷ دولت راجع با استخدام سه نفر متخصص مکانیک راه آهن از امریکا در کمیسیون بودجه مطرح گردیده بانوضیحاتی که آقای کفیل وزارت طرق دادند باماده واحده پیشنهادی موافقت شده اینک راپرت آنرا تقدیم مینماید .

ماده واحده - وزارت طرق مجاز است سه نفر متخصص امریکائی را برای خدمات ذیل در راه آهن جنوب مدت دو سال استخدام نماید :

۱ - یک نفر متخصص لکوموتیف

۲ - یک نفر برای سوار کردن ماشین آلات و مدیریت ماشین خانه .

۳ - یک نفر برای نگاهداری و مراقبت خطوط راه آهن حقوق هر يك از مستخدمین مزبور سالیانه سه هزار دلار است و برای آمدن هر يك از آن ها بایران هفتصد دلار خرج سفر پرداخته خواهد شد و وزارت مالیه مجاز است مبلغ مزبور را که جمعا ۱۳۲۰۰ دلار میشود از محل اعتبار عایدات انحصار قند و شکر و چای بپردازد سایر شرایط کمزرات مستخدمین مزبور بر طبق قانون ۲۳ عقر ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد .

رئیس - راپرت کمیسیون امور خارجه در این موضوع قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۱۹۴ ر ۱۶۶۷ دولت راجع با استخدام سه نفر متخصص امریکائی برای خدمات راه آهن جنوب را مورد مطالعه قرار داده وبا

استخدام سه نفر مهندس مزبور از نقطه نظر تابعیت و ملیت موافقت نموده و اینک خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .

رئیس - ماده واحده مطرح است آقای ملک زاده **ملک زاده** - عرض کنم بنده دو موضوع بود که میخواستم بعرض برسانم یکی مستقیما راجع باین لایحه است و یکی هم تناسب غیر مستقیمی با این لایحه داشت که خواستم بعرض رسانده باشم . آن قسمتی که راجع باین لایحه است بعقیده بنده شاید میتوانستند از بعضی از ممالک اروپا از قبیل بلژیک سوئیس متخصصین ارزانتر و مناسبتر کمزرات کنند و تقاضا میکنم آقای کفیل وزارت طرق جهات و موجباتی که این نظریه را مورد توجه و دقت قرار داده اند بیان کنند (یک نفر از نمایندگان - احسنت) دوم موضوعی که میخواستم بعرض برسانم البته آقایان میدانند مسئله خط آهن یکی از مرام و آرزو های طبقه منور الفکر مملکت بوده است حتی در اغلب از مرامهایی که احزاب نوشته اند یکی از برجسته ترین مواد آنها همان تأسیس خط آهن بود بنده نظرم است که شاید در روی همین اصل چندین کابینه روی کار آمد و از کار رفت در صورتی که آنوقت هم شاید وسایل زیادی نداشتیم از برای انجام این مقصود و فقط کارها بیشتر از حرف شروع میشد و بحرف منتهی میشد ولی هر چیزی طبعا در دنیا اول وجود ذهنی و بعد وجود لفظی و بالاخره وجود خارجی وقتی میتواند پیدا کند که وجود لفظی پیدا کرده باشد و الا این موضوع که یکی از مهمترین مرام طبقه متجدد بوده صورت نمیکرفت و این يك چیزی است که بنده و همه تصدیق داریم که مملکت بیش از همه چیز فقیر است از حیث داشتن افراد مطلع و متخصص ما همه چیز داریم بعقیده من ولی آدم نداریم بنا بر این محتاج میشویم که هر شعبه را که دست میگیریم و هر کاری که میخواهیم بکنیم باید يك متخصصینی را برای اینکار دعوت کنیم و با ما واجب خیلی زیادی استخدام کنیم در این مدت هم واقعا میتوان گفت که مملکت نتوانسته

است در علوم جدید و امروزه يك مجتهدین و يك مطلعین تهیه کنند البته اشخاصی هستند که تحصیل کرده اند يك تحصیلات ناقص ولی تصدیق بفرمایند برای اینکه آن تحصیلات با احتیاجات مملکت مطابقت داده شود باید در يك فنی مجتهد بود تحصیلات ناقص و معلومات ناقص گاهی هم در مملکت مضر واقع میشود این است که همه موافقم که البته باید متخصصین را دعوت کنیم ولی در این حال بعقیده بنده در صورتی که اشخاصی در مملکت باشند که بتوانند مطابق اصول امروزه بعضی از شعب را اداره بکنند حق این است که از افراد داخلی مملکت استفاده بشود و آنها را برای کار دعوت کنیم . بنده اخیراً شنیدم که از برای راه آهن جنوب يك نفر طبیب خارجی استخدام شده است و البته آقایان تصدیق میفرمایند که یگانه شعبه از معلومات و تحصیلات جدید که توانسته است نتیجه عملی در مملکت بدهد و يك اشخاصی که بتوانند از عهده وظایف خودشان مطابق اصول مقرره امروزه دنیا بر آیند و يك عده اطباءئی که خیلی خوب تحصیل کرده اند الا ان هم در مملکت ما هستند مخصوصا دریای تخت مثل طبیبی خوب اروپائی کار میکنند و عمل میکنند و زحمت میکنند و بعقیده بنده با داشتن يك طبیب تحصیل کرده که بتواند وظایف مربوطه را انجام دهند حق و انصاف نیست که ما برویم از خارج يك اشخاصی را استخدام کنیم و طبیب از خارج بیآوریم این دو موضوعی بود که بنده میخواستم عرض کنم .

کفیل وزارت طرق (آقای کاظمی) - اینجا آقاده قسمت را متذکر شدند یکی راجع باینکه چرا این چند نفر متخصص را از بلژیک یا سوئیس استخدام نمی کنیم دیگر آنکه با داشتن اطباء داخلی اشاره کردند باینکه يك نفر طبیب خارجی استخدام شده است نظر دولت سهولت و پیشرفت کار بوده و متخصص و مهندس کل راه آهن امریکائی است و با این اشخاص سابقه (یعنی سابقه کار) دارد و آنها را می شناسد و مذاکره با آنها بعمل آمده و بالاخره رئیس بالادست آنها امریکائی است اما راجع

بطیب هم نظر این نبوده است که اطباء داخلی نداریم بلکه این شخص بوضعیات آنجا اشنائی داشته و استخدام آنهم بطور روز مزدی است.

رئیس - بنده يك تذکری را لازم میدانم. یکی از وظایفی را که بنده باید مراقبت کنم این است که نطق آقایان را منظمآ اداره تند نویسی ضبط نمایند و اینطور که بعضی از آقایان ناطقین صحبت میکنند کار برای اداره تند نویسی مشکل میشود لهذا آقایانی که صحبت میکنند طرف خطابشان را بنده قرار بگذارند و بیاناتشان را هم قدری بلندتر بفرمایند. آقای رهنما.

رهنما - بنده راجع باین لایحه يك توضیحی از آقای کفیل میخواستم برای اینکه خیال میکنم که این لایحه برای اداره خطی است که فعلاً دایر شده است هم در جنوب و هم در شمال دولت برای اینکه این راه بجزریان بیفتد يك اشخاصی را استخدام خواهد کرد که مشغول کار سوار کردن ماشینها بشوند فقط همین است در شمال يك کسی میخواهد که راه آهن و لوکو موتیو را راه برد و يك کسی باشد که متخصص باشد که بتواند ماشین را سوار کند. در این قبیل مسائل همیشه باید متوجه بود که الان موقع بهره برداری از راه آهن است یعنی الان موقعی است که میخواهند بکار بیندازند و باید دقیق بود که مخارج زیاد نشود چه در جنوب چه در شمال مخصوصاً وقتی بجزریان افتاد باید دقت کرد که مخارج زیاد نشود تا آنوقت مجبور نشوند در بودجه دولتی يك مبلغی را برای جبران ضررهائی که چه در خط شمال و چه در خط جنوب داشته باشد وارد کنند از این نقطه نظر بنده يك سؤالی دارم اولاً موضوع این متخصص لوکو موتیو یعنی راننده لوکو موتیو که در اینجا منظور است همان کسی است که لوکو موتیو را می برد و همچنین برای سوار کردن ماشین بکنفر را می خواهند لازم نبود که از امریکا با يك مبلغی که خیلی گران است که وقتی میگویند دویست و پنجاه دلار برای

آنها دویست و پنجاه قران یا بعبارت دیگر دویست و پنجاه پنجقران است استخدام کرد در صورتیکه در سایر ممالک که يك لوکو موتیو یا ماشین را بخواهند سوار کنند اینقدر البته اطلاعات هست ما نمیتوانیم بگوئیم امریکا هم راه آهن دارند آنها هم راه میبرند آنها هم ماشینشان را راه میبرند سوار میکنند. در امریکا زندگانی گران است بکنفر نوکر فرض بفرمائید با ماهی شصت دلار استخدام میکنند وقتی بکنفر راننده لوکو موتیو شما بنا بشود از آنجا بیاورید میگوید آقا از دویست و پنجاه تومان کمتر نمیگیرم این است که بنده خواستم تذکر بدهم که از يك ملت دیگری که زندگانی ار ارزانتر از امریکا است استخدام کنند این یکی و ثانیاً در قسمت خرج سفر ۷۰۰ دلار چرا میدهند برای اینکه امریکائی است اگر يك نفر از سوئیس یا بلژیک بیاورند که هفتصد دلار خرج سفر نمی دهند بنده خواستم این را تذکر بدهم که در این مواقعی که بر داشت می شود از پول راه آهن يك قدری دقت بشود مثلاً در راه آهن شمال بنده الان شنیده ام چندین نفر رتبه های چهار و پنج رفته اند برای اینکه آن خط را از بندر شاه تاعلی آباد ببرند و بیاورند دیگر این چیزها را نمیخواهند رتبه هفت و هشت نمی خواهد يك نفر دفتر دار میخواهد و چند تا کند و کتور که راه آهن را ببرند حالا اگر اینجا بنا باشد مدیر کل و دفتر دار و رئیس و معاون و ماهی پنجاه و شصت هزار تومان خرج داشته باشد راه آهن اروپا اینقدر خرج ندارد تا چه رسد به اینجا بنده این را خواستم آقای کفیل توضیح بدهند که از چه نقطه نظر است که از امریکا آورده اند.

کفیل وزارت طرق و شوارع - این لایحه که تقدیم

شده است برای راه آهن جنوب است و راجع بشمال نیست فرمایشاتی که آقای رهنما فرمودند بنده بایستی توضیحاتی عرض کنم که مطلب نا گفته نمانده باشد

اولاً اینکه فرمودند در موقع بهره برداری محتاج به این متخصصین نیست چنانکه عرض کردم اینها برای جنوب است و هنوز در آنجا بهره برداری شروع نشده بلکه در نتیجه وضعیت گذشته يك نواقصی در آنجا هست و باید آن نواقص رفع شود و اینکه اینجا گفته شده است يك نفر متخصص لوکو موتیو این تنها برای راندن نیست برای اصلاحاتی است که در لوکو موتیو های موجوده هست و برای یسار دادن راندن به ایرانهائی که آنجا هستند حالا عبارت دیگری اگر آقایان میل دارند بگذارند ولی مقصود فقط راندن نیست. قسمت دیگر که فرمودید راجع باینکه چرا از امریکا استخدام شده همان عرضی بود که در جواب آقای ملک زاده عرض کردم برای این بود که مستخدمین بالاتر از امریکا استخدام شده اند و آنها بیشتر مراقب هستند کسانی که بتوانند با آنها کار کنند در دسترس آنها باشند مثلاً فرض بفرمائید کسی که برای اصلاح ماشین های آنجا آمده محتاج به کمکی است و این کمک هر روز دیرتر باو داده شود يك مقداری خسارت بآن راه آهن وارد می آید و اگر بخواهند تفحص کنند از اروپا یا از جا های دیگر بیاورند این يك وقتی لازم دارد و این دفع وقت بر ضرر ما تمام میشود. اما راجع به هفتصد دلار خرج سفر مطابق حسابی که شده هفتصد دلار زیاد نیست و غالب اینها از نیویورک نمی آیند از جاهای دور تر امریکا که نزدیک اقیانوس کبیر است می آیند و این هفتصد دلار کمترین وجهی است که معین شده است و راجع به راه آهن شمال هم این را خواستم عرض کنم که دوسه کار هست يك کار نیست يك قسمت بهره برداری است و يك قسمت تمدید راه آهن و يك قسمت نقشه برداری است برای هر دو سه قسمت تشکیلات داده شده و آن چه که نظر آقا است که راجع به بهره برداری مخارج زیاد لازم نیست این صحیح است و این فقط برای بهره برداری نیست در قسمت بهره برداری فقط برای اقل مایحتاج و کمترین پرسنلی که آنجا هست معین شده و از این اعضاء تمام کارهائی که آنجا هست اداره می شود نه يك قسمت بهره برداری

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم بنده عرایضی غیر از آنچه آقای ملک زاده فرمودند ندارم یعنی باید تکرار کنم مطالبی را که ایشان فرمودند برای اینکه جوابی که آقای کفیل دادند بنظر بنده مقنع نیست عرض کنم که برای راه آهن جنوب یا متخصص او کو موتیو میخواهند که لوکو موتیو را بسازد اینطور که حتما نیست می خواهند او کو موتیو را برد طبعاً کسانی که لوکو موتیو راه میبرند نسبتاً میکانیسین هستند یعنی از آلات و ادوات آن اطلاع دارند و الا لوکو موتیو که نمیسازد یعنی اگر لوکو موتیو يك خرابی مهم پیدا کند که نمی تواند بسازد بالطبع لوکو موتیو رانی است که باید لوکو موتیوها را راه برد و يك شفر ساده است و فقط برای راه آهن جنوب لوکو موتیو ران میخواهند ما میگوئیم چرا از امریکا میاورند ما میخواهیم دلیل اینرا بفهمیم که چرا از آنجا استخدام میشود تا بحال آقای کفیل به ما نگفتند که چرا از آنجا استخدام میشود. میگویند چون فوری و ضروری بود و لازم دانستیم بزودی عمل شود ما از امریکا از بیگئی دنیا میخواهیم! در صورتیکه لوکو موتیو ران رابه بنده ماموریت بدهند همین امروز تلگراف میکنم به آلمان در ظرف یکماه میخواهیم به بلژیک تلگراف کنید تهیه میکنند لازم نیست يك نفر متخصص را چون فوری بود از امریکا بخواهید این دلیل معکوس است اگر فوری بود میخواستند از بلژیک بخواهند از آلمان بخواهند ملاحظه بفرمائید الان دسترخ مردم را خرج میکنیم بنده عرض میکنم يك محصولی بخواهد از امریکا بیاید هفتصد دلار میشود حالا بنده وارد این قسمت نمی شوم که شاید يك محصولی از امریکا بخواهد برگردد چهار صد تومان رایش معین میکنند ولی برای يك نفر شوهر يك نفر مکانیسین لوکو موتیو هفتصد دلار معین میکنند باین کاری ندارم ولی بالاخره این طبیعی است که خرج سفر از بلژیک یا آلمان خیلی کمتر است بعلاوه شماسالی سه هزار دلار باین آدم میدهد ماهی پانصد تومان دو ساله شش هزار دلار میشود (کازرونی - سالی هفت هزار و

و یا صد تومان) بی هفت هزار و یا صد تومان میگوئیم شما اگر يك نفر را که استخدام میکنید از يك جای دیگر که نرخ پولشان اینقدر گران نیست استخدام کنید قطعاً نصف این مبلغ تمام میشود صرف اینکه يك نفر مهندس امریکائی گفته حتماً لوکوموتور ان امریکائی باشد بالاخره دولت باید استخدام کند لزومی ندارد امریکائی باشد چه دلیلی دارد برای اینکه مهندس امریکائی گفته است باید امریکائی باشد ما حتماً باید قبول کنیم مهندس باید راه آهن درست بکند ولی نباید که بدولت دستور بدهد مهندس راه آهن اگر آلمانی باشد آن مهندس امریکائی استعفا خواهد داد از کارش با سالی بیست هزار دلار؟! یکی دیگر چیزی که راجع به طبیب که آقای دکتر ملک زاده گفتند باز جواب مقنع ندادند بنده شنیدم که ماهی دوهزار دلار میدهند بيك طبیب ایرلندی این حرف نمیشود آقایان پول دوهزار دوهزار از جگر مردم گرفته میشود برای اینکه راه درست شود برای مملکت آنوقت یکمتر به سالی دوهزار دلار بدهید بيك طبیب. آقا طبیب ایرانی استخدام کنید با ماهی چهار صد تومان نه یا صد تومان نه هزار تومان بعضی از نمایندگان - آقا با چهار صد تومان حاضرند **دشمنی** - حداکثر را میگویم طبیبهای درجه اول ایران رئیس کل صحنه خودتان ما بيك مملکت فقیری هستیم باید به منتهای درجه صرفه کار کنیم دیگر بيك عده از نمایندگان به بنده تذکر دادند که بيك عده شاگرد فرستاده بودند برای تحصیل خط آهن و بيك عده از اینها هستند که برای راندن لوکوموتیو خوب هستند اینها را آورده اند ولی بکارهای دیگر گماشته اند خوب چرا اینها را بکار نمی اندازند بالاخره برای راه آهن که ما باید منتهای درجه صرفه جوئی را بکنیم بنده هیچ دلیل و منطقی نمی بینم و خیلی هم میل داشتم که مخبر کمیسیون امور خارجه به ما بگویند دلیل اینکه این مهندسين را از امریکا میاورند چیست؟

کفیل وزارت طرق - اشتباه از اینجا ناشی شده است که میفرمایند لوکوموتور ان میخواستیم بیاوریم عرض کردم کسی است که باید تعمیر کنند و اصلاح کنند و بالاخره باید متخصص این کارها باشد وضعیت فعلی

لوکوموتیوهای آنجا خوب نیست و باید کسانی باشند که اطلاعات زیاد داشته باشند و بتوانند اینها را اصلاح کنند البته اگر لوکوموتیف ران بود این حرف مورد داشت. فرمودند که چرا از دورترین نقاط امریکا میاورید مقصود بنده این نبود که آنجا دورتر است و جای دیگر نزدیکتر مقصود بنده این بود که وجود این متخصصین فوریت لازم است و بيك نفر مهندس عالی رتبه ما با آنها کار کرده است کاملاً آنها را می شناسد که میتوانند از عهده بر بیایند و این نوع استخدام را مخصوصاً که برای کارهای مهندسی و فنی است بسهولت نمیتوان کرد باید رفت و تفحص کرد و بالاخره دید که او هم راضی است یا نه و اگر ما او را پسندیدیم او میآید یا نه اما عرض کنم راجع بشاگرد ها که فرمودید شاگرد ها فقط راندن را بلد هستند ولی چون این مسئله تعمیر لوکو موتیو هم است و فقط راندن نیست و کار آنها نیست و بالاتر می باید باشد که آنها را نیز تعلیم کنند

رئیس - آقای کازروبی

کازروبی - بنده عقیده ام این است که بقدر لزوم مذاکره شده و مذاکره در این قسمت بعقیده بنده کافی است ممکن است در موقع رأی آقایانی که قانع نیستند رأی ندهند

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است قرائت می شود:

تبصره ذیل را به ماده واحد پیشنهاد میکنم

تبصره - تخصص متخصصین مزبور را اداره راه آهن دولتی امریکا باید تصدیق نماید.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - با این مقدمات و این مذاکراتی که شد تأسف اینجاست بعد از اینکه این صحبتها میشود میآیند بيك اشخاصی بعنوان متخصص بعد معلوم میشود دروغ بوده واقعاً متخصص نبوده سابقاً هم برای اینکار و جلوگیری از این فکر همین فرمول را ما در کنترات

مستخدینی که از مجلس میگذرانیدیم می گذاشتیم و خاطر می آید حالا موردش را نظرم نیست ولی خاطر می آید آقای وزیر مالیه خودشان این نظر را داشتند که ما استخدام میکنیم از هر دولتی آن دولت تصدیق نماید که واقعاً متخصص هست بنده نمی خواهم تردید کنم ولی اگر چنانچه تو هم برود که کار بيك مهندس عالی مقام بيك نفری را که می فرمائید سابقه دارد با او او را برای اینکار میخواهد ممکن است آن تخصص را نداشته باشد برای آن منظوری که میخواهد آوردیم اینجا و بلائمر ماند باین جهت نظر بنده این بود حالا که ما با بيك مخارج زیادی بيك متخصص لوکوموتیف میخواستیم بیاوریم و حال آنکه از جاهای نزدیکتری میتوانیم بیاوریم اقل این را دولت امریکا اداره راه آهن دولتی تصدیق نماید که آقا این کاری که شما از این شخص میخواهید از شما ساخته است که وقتی می آید از شما استفاده بشود

وزیر مالیه (آقای تقی زاده) - بعد از امتحانات

مختلف و طریقه های گوناگون که هر يك از آقایان بيك طریقه آن را می پسندند. یکی این است که دولت متبوع تخصص او را تصدیق کند بيكی دیگر عقیده اش این باشد که چرا بدولت رجوع میکنید خودتان بيكی دیگر را که ارزانتر و قابل تر باشد پیدا کنید بيكی هم عقیده اش اینست که ملل مختلف باشد که از بيك ملت واحد بیاوریم که با هم خوب کار کنند بالاخره دولت که دستش در کار است و اینها را در عمل تجربه کرده بالاخره عقیده دولت و اشخاصی که مباشر و متصدی این کارند اینطور است که اولاً از ملت های مختلف برای بيك کار آوردن بيكی از خطا های بزرگی است که هر کس هم که این عقیده را داشته باشد و فکرش این باشد که دوسه نفر را بیاورند مختلف که این کار را انجام بدهند بزودی پشیمان خواهد شد و باین منتهی خواهد شد که بيك کار معین را دوسه نفری که با همدیگر سازش خوب دارند و سوابق دارند و زبان همدیگر را میفهمند (مقصودم از زبان لغتش نیست) مقصودم این است که با همدیگر خوب راه بروند اینها

بهتر است. اما اینکه گفتند تخصص آنها را دولت تصدیق کند اینها در صورتی است که آنها مأمور دولت باشند البته آقایان میدانند که در امریکا راه آهن مال مردم است مال دولت نیست و دولت امریکا خودش را باین کار مشغول نمی کند حتی خود کارل که متخصص و رئیس تمام این راه آهن است او را توسط دولت امریکا استخدام نکردیم ولی وقتیکه آمده اینجا تجربه کرده اند خیلی خوب در آمده و اعتماد پیدا کرده اند هم به علم او هم به لیاقت او هم دلسوزی و خوب کار کردنش این کار را باو سپرده اند این کاری را که باو سپرده اند تصدیق فرمایند که کاری است که باندازه چندین میلیون باختیار اوست فقط حساب آنرا باید بدهد یعنی او اگر بخواد امروز بيك میلیون تومان لوکوموتیو بخرد و رایل بخرد می تواند و باو اختیار داده شده است که همه این پول ها را خرج کند بيك تکه کار کوچکش که چند صد دلار است آنرا به مجلس می آورند نه از این جهت که پولش تصویب شود پولش را اجازه داده اند پول هم تصویب می شود ولی عمده بيك شرطی است که از قوانین اساسی ما باقی مانده است و مستحسن هم دیده شده و همیشه نگاهداری شده است برای اینکه مملکت ایران در گذشته بعضی از تجربه های پر زحمتی داشته است گفته اند که اگر متخصص خارجی میآید عمده برای ملتش است که آقایان صلاح میدانند او را بیاورند یا نه ولی برای کارهای دیگرش که هفتصد دلار بدهند یا یا صد دلار همه این چانه ها را که ما میزنیم شاید برای چند صد تومان خرج سفرش است ولی این شخص را ما اختیارات باو دادیم چندین میلیون دلار و تومان در زیر دست او بدون هیچ قید و شرطی الا اینکه حسابش را بدهد بدست او داده ایم آن کار های دیگر را بکند و کارهایی که تا بحال داشته قبل از این اختیارات مطلقه داشته یعنی خود وزارت خانه پیشنهاد میداده در ضمن دستور العمل و اختیاراتی که بهش دارد بيكی هم اینست که این مهندسين را خود او باید پیشنهاد کند و موافقت کند حالاً بيك مهندس آلمانی بيك مهندس بلژیکی از اینجا

استخدام کنیم بفرستیم آنجا بگوئیم که آن کاری را که ما هیچ نمیدانیم چه هست و درست نمیدانیم او را بکنارید سران کار این پیشرفت ندارد و اشخاص را مخصوصاً میشناسد مخصوصاً خاطر دارم که آقای کارل همیشه این عقیده را داشت که از امریکا هم نمیشود هر مهندسی را برداشت آورد بلکه آن مهندسی که خارج از امریکا کار نکرده بدرد اینجاها نمیخورد و مخصوصاً میگفت باید مهندسی باشند که آدم آنها را خودش بشناسد و مخصوصاً در مشرق زمین و ممالک دیگر دنیا کار کرده باشند و این نوع کار را خوب بلد باشند این اشخاصی را که او بشخصه میشناسد استخدام میکند و تا حالا هم ما برخلاف انتظارمان نسبت بکارهای او چیزی پیش نیامده است بلکه هر چه پیش رفته است موافق مطلوب شده و دولت کمال رضایت از او دارد و تا آنجائی که بنده اطلاع دارم وزارت طرق نهایت رضایت را دارد و اعمال و رفتار او را مطابق مقصود دیده است حالا همینقدر آقایان ملاحظه فرمایند که آن مخارجی که چندین میلیون دلار نه بلکه لیره خرج میشد این شخص محدود کرده است بجای بیست هزار دلار اسعار خارجی را حتی الامکان هر چه را که ممکن است در خود ایران عمل بیاورد صرفه جوئی میکند حتی در این استخدام هایشان هم که دیده ایم حقوق زیاد نمیدهد با اینکه کسی که لو کوموتیو را تعمیر و اصلاح میکند باید یک میکانیسن خوب باشد راست است یک قدری خرج سفرش بیشتر از بلژیک و آلمان میشود ولی این مسئله در مقابل چندین میلیون خرجی که میکند اهمیتی ندارد نکته مهم واقعاً این است که تشخیص داده شود امریکائی با استخدام ایران باشد شاید صلاح نباشد آن مطلب دیگری است صلاح نباشد یا عده اش زیاد نباشد آن مطلب دیگری است که ممکن بود در کمیسیون خارجه بحث شود و دیده میشود که کمیسیون خارجه هم ایرادی بهش ندیده اند و مانعی ندیده اند و این مهندس امریکائی هم که در خدمت ما هست خوب کار کرده است و اگر یک نفر رفیق هم برای خودش بیاورد

اعتماد داریم و سالی چند ملیون زیر دست او خرج می شود ولی این دلیل میشود که این شخص را که میخواهید استخدام کنید متخصص باشد؟ عرض کنم که آن صحبت اولی که ما کردیم این قسمت را هم در حقیقت آقای وزیر مالیه جواب عرایض بنده را در اول دادند که چون ما به این شخص اعتماد داریم و سالی چند ملیون پول زیر دست او خرج میشود باید در سایر کارها و در جزئیات هم باو اعتماد داشته باشیم بنده عقیده ندارم که انسان در کارها جنبه افراط و تفریط داشته باشد همین مستر کارلی بود که در هیئت نظارت راه آهن بود و این کمپانی یولن که در جنوب این همه خراب کاری کرد و این همه کثافت کاری کرد و ابداً حرف نزد کارل چه کرد؟ منتهی وقتی که صحبت کردند گفتند که کارل به ما راپرت داد منتهی ما بهش اهمیت ندادیم باید وزارت خانه و دولت که راپرت او را اهمیت نداده مجازات بشود که چرا راپرت کارل را ترتیب اثر نداده اند بالاخره عرض کنم که ما بهیچوجه و بهیچ دلیل نفهمیدیم که چرا حتماً مستر کارل پایش را نوبی یک گمش کرده است که حتماً این مهندسین از امریکا آورده شوند و چون از جواب هائی که دادند مسارا قانع نکرد بنده پیشنهاد کردم که فعلاً دستور خارج شود و بعد صحبت کنیم یک نکته دیگر هم در صحبت آقای وزیر مالیه بود که لازم میدانم عرض کنم این بود که فرمودند چون رئیس راه آهن امریکائی است از این جهت باید یک هیئت متحدالشکلی از مهندسین درست کنیم نظرم هست که چند ماه پیش آقای وزیر مالیه گفتند که این چه ضرر دارد که ما مهندسین را از ملتهای مختلفه استخدام کنیم که این ناظر او باشد و آن ناظر این بالاخره زبان است و میشود همه جور چرخاند آنجا میگفتند که باید از ملل مختلفه باشند که برای یکدیگر ناظر باشند حالا میفرمایند که باید از یک ملت باشند و متحد الشکل باشند برای اینکه زبان همدیگر را بدانند برای اینکه ماتالیته شان یکجور باشد نه اینکه یکی

آمریکائی باشد یکی آلمانی باشد و یکی بلژیکی.

دکتر طاهری (مخبر کمیسیون بودجه) - بعقیده بنده این لایحه که اینجامطرح شد مذاکراتی که آقایان اینجا کردند در اطراف ملیت بود و کمیسیون خارجه هم ملیت آنها را تصدیق کرده است و آقای رهنما و آقای دشمنی هر دو عضو کمیسیون خارجه بوده اند و تصدیق کرده اند و حالا مطرح شده اگر چنانچه آقایان آن کنترلتها را که برای مستخدمین امریکائی بسته شده است در نظر داشته باشند ملاحظه خواهند فرمود که هم حقوقشان از این زیادتر است و هم خرج سفرشان و این خرج سفری است که مکرر اینجا مذاکره شد که هفتصد دلار زیاد است و ماهم خودمان در کمیسیون اشکال کردیم مذاکره شد و وقتی مراجعه شد دیدیم که در قوانین سابق و کنترلتهای گذشته هیچکدامشان از هشتصد دلار کمتر خرج سفر نداشته اند و خرج سفر هشتصد نصد دلار داشته اند اگر پول ما تنزل کرده است مناط نیست و بخرج سفر مربوط نیست خرج او باید دلار باشد و با دلار هم او را استخدام میکنیم اگر يك وقت دلار هشت قران یا دوازده قران باشد یا هفده قران مربوط به مستخدم نیست اما در قسمت استخدام این مهندسین همه مسبوقیم که قسمت راه آهن شمال آن طوری که باید پیشرفت کرده است و در قسمت جنوب نواقص داشته است حالا که دولت از قسمت شمال فارغ شده است این طور تشخیص داده که باید در قسمت جنوب هم نواقصش را خودش رفع کند مذاکرات زیاد شد و مکرر پیشنهاد شد کمپانیهای عالم پیشنهاد کردند برای اینکه بیایند نواقص آنرا رفع کنند هیچکدام را دولت صرفه و صلاح خودش ندید و بالاخره خود دولت حالا تصمیم گرفته است که نواقص راه آهن را رفع کند و بکار بنیدازد و بهترین اشخاصی که در خدمت خود دارد و امتحان داده است همین مستر کارل است این مستر کارل را با اختیاراتی و اداشته اند این جا و چند روز پیش بود که پنج ملیون و دو بیست و پنجاه هزار تومان (هنوز يك هفته نگذشته است) برای قسمتهای مختلفه راه آهن

که هیچ شباهت بهم نداشت ما اعتبار به وزارت طرق دادیم و آنچه که مربوط به راه آهن جنوب است وزارت طرق می‌هد به کارل بدون این که یک دینارش را بیاید این جا و کلمه به کلمه تصویب کند فقط یک اختیاراتی مطابق قانون سابقا مجلس داده بود به وزارت طرق که تا آخر ۱۳۰۹ آنچه که میخواست مستخدم خارجی کمترت کند اختیار داشته باشد و اجازه داشته باشد عده را هم کمترت کرده است حالا هم اگر آن مدت تمام نشده بود و همین سه نفر راهم قبل از انقضاء سال ۱۳۰۹ استخدام کرده بود اصلا به مجلس نمی‌آمد و ما برای این که ملیون ها باید پول در اینجا خرج کنیم راست است که رعایت صرفه جوئی را میبایستی بکنیم ولی از آن طرف هم هر چیزی که ارزان است یک معایبی دارد و هر چیزی که گران است یک فوایدی هم دارد تمامش را که نمیشود ارزان تهیه کنند چیز ارزان یک معایبی هم دارد اگر آن کسی که رئیس راه آهن است صلاح بداند که این سه نفر متخصص باید استخدام بشود در هر صورت دو هزار تومان سه هزار تومان بولش بشود و ما بگوئیم باید برای این سه هزار تومان صرفه جوئی کنیم و اشخاصی را استخدام کنیم که ضرر آنها بنظر کسی که آنرا استخدام میکند بیشتر از نبودنش است و بعقیده بنده آقای دشتی نماینده محترم و آقای رهنما هم خوب است موافقت فرمایند و از پیشنهادشان صرف نظر بکنند و بدین لایحه هم رأی بدهند و راه آهن هم راه یفتد.

رئیس - آقای رهنما هم میل دارند مستقلا راجع

به پیشنهاد خودشان صحبت بکنند مانعی ندارد

رهنما - اولاً در قسمت اخیر فرمایشات آقای مخبر عرض بکنم (اقبال - یک قدری بلند تر بفرمائید) آقای مخبر در خاتمه بیاناتشان فرمودند که خوب است این پیشنهاد را پس بگیرند عجالا این دو هزار تومان هم زیاد تر خرج شود. عرض کنم که بنده میخواهم این مسئله را حقیقه بفهمم که مقصود از بحث در یک

لایحه چیست؟ اولاً بحث خوب است یا نه خواستم برگردیم باول کار بسم الله الرحمن الرحیم الف وباء را شروع کنیم که بحث در یک لایحه که از روی احساسات باشد خوب است یا بد است باید برگردیم و برویم بالاتر که نویسندگان در موضوع شور و مشورت چه گفته اند و این مسئله قابل انکار نیست و محتاج به بیان نیست که حقیقه بحث در یک لایحه و یک مسئله هر چه بشود مخصوصا بحث از نقطه نظر هجوم و حمله نباشد و از نقطه نظر روشن کردن و دیدن تمام اطراف قضیه باشد این بسیار خوب است بعد از آن باید کوش بدهند بدلائل همدیگر یعنی آقا وقتی حرف میزنند و دلائلی که می‌آورند افکاری را که بنده دارم در نتیجه جوابهایی که داده میشود همینطور بر طرف بشود ولی نه اینکه شما وقتی که دلائل خودتان را آوردید بنده مثل یک میخی سر جای خودم بایستم و بگویم بنده از اینجا رد نمیشوم بچشم بحرف خودم و شما هم هر چه بگوئید نشنوم اگر غالباً بحث از نقطه نظر انتخاب فکر خوب باشد آنوقت باید دید فکر خوب کدام است و آنرا قبول کرد حالا آمدیم سر لایحه صحبت سر این است که آقا ما میخواهیم یک مهندس یک متخصص لکوموتیف بیآوریم متخصص لکوموتیف چیست؟ (استدعا میکنم توجه بفرمائید چون ممکن است بنده غالب حرفها را نگفته بگذارم) معلوم است متخصص لکوموتیف یک کسی است که برود بنشیند پشت لکوموتیف و آنرا راه ببرد و اگر یک پیچش خراب شد بتواند درست کند و اگر یک قسمت دیگرش هم خراب شد بتواند درست کند کار متخصص لکوموتیف که از این بالاتر نیست این را میگویند متخصص لکوموتیف اگر فلان پیچش شکست او یک اطلاعاتی داشته باشد که درست کند بغیر از این که نیست؟ متخصص دیگر مال ماشین سوار کردن است ماشین سوار کردن یعنی چه؟ یعنی اسبابهای قسمت قسمت شده ماشین را این شخص بتواند سوار کند و ماشین را درست کند بعد هم اگر خراب شد بتواند درست کند ولی حالا بنده نمیفهمم که ستر کارل اینجا میگوید که باید مطابق سلیقه من سوار کند علم که سلیقه

ندارد علم یک مبادی مسلمه دارد لکوموتیف مرکب است از چند قسمت و چند پیچ دارد و معین است که چه جور سوار میشود و بنده مطمئنم که هرگز ستر کارل اینطور نمیتواند بگوید آخر این ربطی به ستر کارل ندارد این آدمی است که می‌آورند برای لکوموتیف برای این شخص برای این است که فلان ساعت بهش دستور بدهند که این ماشین از اینجا باید برود آن جا و فلان وقت برگردد آن دیگری هم ماشین را باید سوار کند این هیچ ربطی به اختیارات کارل با اقدامات کارل دارد؟ این هیچ ربطی ندارد منتهی صحبت سر دو چیز است یکی این که هر چه کارل گفتند مگر ما مجبوریم که قبول کنیم؟ و بعلاوه همینطور که آقای دشتی گفتند مگر لازم است که ما افراط و تفریط بکنیم یک مرتبه این طور بگوئیم که اگر دو نفر متخصص ارزان بیآوریم کارها خوب نمیشود بنده نمی‌توانم بفهمم که چرا نمیشود و فرمودند که اگر از یک ملت دیگری بیآوریم کارها درست نمی‌شود چرا نمیشود؟ اگر شما یک نفر سوئسی را استخدام کنید بیآورید بهش بگوئید که شما باید در این ساعت این لکوموتیف را ببرید از اینجا به آنجا و اگر تعمیری هم پیدا کرد تعمیر کند این نمی‌شود؟ این چه دلیل دارد که شما بروید یک نفر آمریکائی را بیآورید؟ این مطالب را برای تذکر میگوئیم و نقطه نظر دیگری نداریم حالا آقایان بانام این دلائل میفرمایند که لازم است این مهندسین را بیآورند ما گفتیم که از دستور خارج شود برای اینکه بیرون صحبت بکنیم شاید ما اشتباه کرده باشیم یا این که بالاخره ممکن است که شما (هفت قرآن در میان) اشتباه کرده باشید و قضیه بعد از مذاکره حل می‌شود این بود خلاصه نظریات بنده حالا باز بنظر مجلس واگذار میکنم هر جور میخواهند رأی بدهند

مخبر - استدلال همانطور که فرمودند ممکن است

هرطوری تغییر کنند این ادله که آقای رهنما اقامه کردند موجب این میشود که ما هیچوقت از امریکا متخصص استخدام نکنیم برای این که فرمودند پول آن زیاد میشود در صورتی که

همین مستر کارل که دولت نهایت رضایت را از او دارد امریکائی است از تمام مستخدمین گرانتر است سالی شاید سی و چهار هزار تومان پول میگیرد ممکن است یک نفر را بیآورند که سالی پنجاه هزار تومان سالی ده هزار تومان پول بگیرد تمامش که نباید این عقیده را داشت که یک چیزی که ارزانتر است بدست بیآوریم پس این استدلال که فرمودند وارد نیست حتی همین لکوموتیف را که فرمودند همینطور است یعنی ممکن است تطبیق بشود ممکن است نشود بعقیده بنده وقتی که دولت تشخیص داد که یک شخصی با هر ملاحظه که هست از یک جایی انتخاب شود بهتر است تا از یک جای دیگر انتخاب شود ما نباید صرفاً باینکه از فلانجا اگر بیآوریم گرانتر است صرف نظر کنیم بنا بر این حالا که ما آن شخص را که رئیس این قسمت است انتخاب کردیم و با او اطمینان داریم و نظریه او را قبول کردیم اگر اشخاصی را او اصلاح دانست و گفت که این اشخاص باید باشند به صرفه و صلاح است که آن نظر را قبول کنیم و آن چیزی که گرانتر است قبول کنیم و برویم عقب یک چیز ارزانتری که صلاح باشد **رئیس** - آقایانیکه موافقت لایحه از دستور امروز خارج شود قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهادی از آقای فهیمی رسیده است قرائت میشود.

پیشنهاد می‌کنم که جمله جمعا سیزده هزار و دویست دلار میشود از آخر ماده حذف شود.

رئیس - آقای فهیمی.

فهیمی - در آخر ماده یک رقمی نوشته اند که با هیچ حسابی با متن ماده درست در نمی‌آید زیرا دو سال این مستخدمین استخدام میشوند هر کدام با سالی سه هزار دلار که دو سال جمعا میشود دوازده هزار دلار و اگر خرج سفرشان را حساب کنیم اباب و ذهاب میشود چهارده هزار و هشتصد دلار و اگر یکساله هم حساب کنیم میشود یازده هزار و کسری دلار اینجا حقوق یکساله را معین کرده اند و خرج سفر

ایات و ذهاب را هم که حساب کرده اند مینویسدوزارت مالیه مجاز است مبلغ مزبور را که جمعاً سیزده هزار و دوست دلار میشود بپردازد و این رقم با اصل مساده موافقت ندارد اگر این قسمت را حذف کنیم بهتر است و نوشته شود وزارت مالیه مجاز است مبلغ مذکور را از محل انحصار قند و شکر بپردازد بعد هم معین شده که برای فلان چقدر برای حقوق چقدر برای آمدن چقدر و این جمله اسباب سوء تعبیر و اسباب زحمت خواهد شد و بنده پیشنهاد کردم حذف شود.

مخبر - همینطور که پیشنهاد کردند چون در اصل موضوع تغییری حاصل نمیشود یعنی خود ماده حقوق و خرج سفر آنها را معین میکند کمیسیون هم قبول میکند. **رئیس -** موافقین با ماده واحده ورقه سفید خواهند داد البته این جمله هم محذوف است.

(اخذ آراء شروع شد)

دشتی - آقای فرهنگد موقع رأی دادن حاضر نبودند رای نباید بدهند

رئیس - صحیح است. رعایت میکنیم رأی آقای فرهنگد را حذف میکنیم.

(شماره آراء نیز بعمل آمده شصت و هفت ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - در موقع اعلان رأی عده حاضر ۹۳ با کثرت ۶۷ رأی تصویب شد *

* اسامی رأی دهندگان

- آقایان : مؤید احمدی - امیر تیمور - افسر - افشار - اورنگ - احتشام زاده - فتوحی - امدی - محمد ناصر خان قشقایی - اقبال - امیر حسینخان بختیار - حکمت - دکتر لقمان - اسکندری - فاطمی - طباطبائی وکیلی - رضا قلیخان باستانی - خواجوی - تربیت - فرشی - زدهی - بیات ماکو - صفاری - عدل - مجد ضیائی - شریفی - حسن علی میرزا دولتشاهی - مسعودی - یاسائی - اعتبار - لاریجانی - دادور - محمد علی میرزا دولتشاهی - ساکنیان - مقدم - میرزا صادق خان آکر - دهستانی - حسین قلیخان نواب - دکتر شیخ - فتحعلی خان بختیار - ملک زاده آملی - همراز - وثوق - طالش خان - امیر دولتشاهی - درزنی - طهرانچی - دکتر طاهری - وهاب زاده - علوی - بزواری - مفتی - جنیدی - مولوی - موقر - فهیمی - دکتر ملک زاده - میرزا محمد حسین نواب سید کاظم بزدی - امیر ابراهیمی - جبهانی - حاجی میرزا حسین خان فاطمی - میرزا فتح الله خان فروزی - ناصری - دکتر ضیائی - طباطبائی دیبا - میرزا یانس

[۷- تصویب فوریت لایحه تخفیف باندرل تریاک]

رئیس - بدو لایحه باندرل تریاک را باید بفوریتش رأی بگیریم برود بکمیسیون. قرائت میشود :
ساحت محترم مجلس شورای ملی.

اولاً تجربه سه ساله نشان داده است که سنگینی قیمت باندرل تریاک معینه در ماده هفت قانون انحصار دولتی تریاک در ایالات و ولایات دارای زراعت تریاک باعث زحمت اهالی و شیوع قاچاق و استفاده قاچاقچیان بوده.

ایجاد مشکلات در اجرای قانون مزبوره نموده و ضمناً موجب نکس عایدات دولت بوده است. بنا بر این وزارت مالیه چنین مقتضی دیده که موقتاً در قیمت فعلی باندرل تریاک ایالات و ولایات حاصلخیز تریاک در موارد مقتضی تخفیفی بدهد و بهمین نظر که اجرای این منظور موجب ازدیاد عایدات دولت خواهد بود مبلغ معتد بهی در بودجه مملکتی به پیش بینی عایدات انحصار اضافه گردیده است. ثانیاً قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ در خصوص سهم کاشفین قاچاق که بوزارت مالیه اجازه داده از قیمت اجناس انحصاری مورد قاچاق و جرائم آن صدی پنجاه به کاشفین و مخبرین پرداخته شود مفهوم قانون مزبور شامل تریاک هم شده با آنکه برای تریاک در این خصوص قبلاً هم قانون مخصوصی بوده و در موقعی هم که قانون سیزدهم آبان برای تصویب پیشنهاد شد مقصود این بود که قانون مزبور شامل اجناسی که قانون مخصوصی ندارند بشود و مذاکرات در مجلس هم مشعر بر این مقصود بود و از طرف دیگر حق مقرر برای کاشفین اجناس انحصاری و غیر انحصاری که قاچاق میشود فقط منحصرأ به کاشف و مخبر داده می شده در صورتیکه مخارج دیگری برای کشف قاچاق از قبیل اعزام مفتشین و مأمورین مخصوص و اقدامات ادارات برای بدست آوردن اجناس قاچاق پیش می آید که بواسطه نبودن محل خرج وزارت مالیه دچار اشکال و در عین حال مخارج مزبور هم ضروری است لهذا تصویب ماده واحده ذیل را با قید يك فوریت تقاضا مینماید:

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده می شود در هر يك از ایالات و ولایاتی که دارای زراعت تریاک هستند و صلاح بداند موقتاً از قیمت باندرل معینه در ماده هفت قانون انحصار دولتی تریاک مصوبه ۲۶ تیر ۱۳۰۷ مبلغی که در هر مقال ازدو قران تجاوز نماید تخفیف بدهند این تخفیف تأثیری در میزان جزای تقدی که تاکنون بر قاچاق تریاک و مشتقات آن تعلق میگرفته نخواهد داشت تبصره ۱ - حمل تریاک با باندرل از ولایاتی که مورد تخفیف واقع شده بولایاتی که مورد تخفیف نبوده یا از حیث میزان تخفیف مختلف است ممنوع و در صورت کشف در حکم قاچاق خواهد بود.

تبصره ۲ - قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ راجع به حق کاشفین اجناس قاچاق انحصاری شامل قاچاق تریاک که قانون مخصوصی دارد نخواهد بود و وزارت مالیه مجاز است از سهمی که برای کاشفین و مخبرین اجناس انحصاری و غیر انحصاری که مطابق قانون معین و مقرر است تا صدی ده آنرا جهت مخارج کشف و بدست آوردن جنس قاچاق مطابق نظامنامه وزارت بپردازد. تبصره ۳ - این قانون پس از تهیه نظامنامه که بتصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید بموقع اجرا گذاشته می شود.

رئیس - فوریت مطرح است (بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست) موافقین با فوریت قیام فرمایند ... (عده قیام نمودند)

رئیس - عده برای رأی کافی نبود (در اینموقع چند نفر از آقایان نمایندگان وارد مجلس شدند)

رئیس - آقایانسی که با فوریت لایحه موافق هستند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد. لایحه ارجاع می شود به کمیسیون مالیه.

[۸- شور و تصویب لایحه خالصجات انتقالی]

رئیس - لایحه خالصجات انتقالی قرائت میشود :
ساحت محترم مجلس شورای ملی.
چون غالب از متصرفین خالصجات انتقالی در پرداخت تفاوت قیمت مالبات خالصگی که بر طبق مقررات ماده سه از قانون خالصجات انتقالی مصوبه لیل ۲۰ اسفند ۱۳۰۶ بایستی در مدت سه سال (از ۱۳۰۷ الی آخر ۱۳۰۹) بپردازند بمسامحه و تعلق میگذراتند و نظر باین که در

مقابل مساعدتهای فوق العاده که در اربابی نمودن خالصجات مزبوره با متصرفین خالصجات انتقالی بعمل آمده مقتضی نیست مقررات قانون نسبت به متخلفین بدون شرط بموقع عمل واجرا گذارده شود و برای اینکه متصرفین خالصجات انتقالی ملزم به پرداخت تمام اقساط تفاوت خالصگی شده و در صورت تخلف بتوانند از مقررات قانون مزبور استفاده نمایند علیهذا مواد ذیل با قید دو فوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می شود.

ماده اول - از صاحبان خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون هیچک از اقساط خرید منال دیوانی ملك متصرفی خود را مطابق اقساط معینه در قانون نپرداخته باشند از تاریخ تصویب قانون ۲۰ اسفندماه ۱۳۰۶ منال خالصگی مطابق آنچه که سابقاً پرداخته می شده است مأخوذ می شود.

ماده دوم - در مورد خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون تمام اقساط باز خرید منال ملك پرداخته نشده است نسبت به آن قسمتی از ملك که منال خالصگی آن باز خرید شده و قسط پرداخته معامله ملك اربابی و نسبت به آن قسمتی که قسط پرداخت نشده معامله خالصگی سابق خواهد شد.

ماده سوم - نسبت بخالصجات انتقالی که تا آخر ۱۳۱۰ عمل باز خرید بعمل نیامده و اقساط کلاً پرداخته نشود مزایای قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ زائل شده و باز خرید آنها فقط در صورتی ممکن است که تمام قیمت باز خرید يك مرتبه پرداخته شود.

ماده چهارم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون است.

رئیس - فوریت مطرح است. آقای کازرونی مخالفید **کازرونی -** بنده با فوریت موافقم.

رئیس - موافقین با فوریت اول قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت نانی مطرح است. آقای دشتی **دشتی -** عرض کنم که بنده میخواستم استدعا کنم از آقای وزیر مالیه که موافقت فرمایند که این لایحه هم

رئیس - آقای فاطمی.

فاطمی - بنده خواستم تقاضا کنم از آقای وزیر مالیه برای اینکه رفع شبهه بشود همان لایحه که در کمیسیون اصلاح شده همان مواد را مطرح کنند در اینجا و بهمان رأی داده شود در هر صورت تفاوتی ندارد و بنده هم خیال میکنم که يك تفاوتی دارد برای اینکه بنده هم خیال می کنم آخر آن لایحه سه ماه مهلت داشت و در لایحه دولت افتاده است.

وزیر مالیه - بنده قبول دارم که عین همان خبر کمیسیون باشد چون امروز صبح این لایحه ماشین نویسی شده است اگر چیزی افتاده باشد دوباره اضافه می کنیم و تقدیم میکنم بنده دادم از روی همین خبر ماشین نویسی کنند حالا شاید چیزی سقط شده باشد بنده خواهش میکنم که همان خبر کمیسیون را مطرح فرمایند بعنوان لایحه دولت (صحیح است)

رئیس - این جا بکفدري کار بر بنده دشوار میشود برای اینکه لایحه سابق را که از اوراپورت کمیسیون تولید شده بود استرداد کردند و يك لایحه جدیدی را دادند بعقیده بنده شق صحیحش این است که لایحه را طرح کنیم آقایان مراقبت میکنند اگر چیزی منافی بالایحه کمیسیون دارد اصلاح میکنند. موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات در کلیات است. آقای فهمی.

فهمی - خاطر آقایان مستحضر است که لایحه باز خرید منال خالصجات انتقالی را بنده مبتکر بوده و پیشنهاد کردم و يك نفری در آن لایحه داده شد در مجلس حالا خوشوقانه بعد از سه سال دولت بر میگردد بهمان چیزی که بنده پیشنهاد کردم و آنوقت قبول و موافقت نکردند زیرا پیشنهاد بنده این بود که اقساط منال دیوانی باز خرید را معین کنند و سه قسط بگیرند و هر قسطی را که گرفتند به نسبت همان قسط يك ثلث از منال خالصگی کسر شود.

و اگر تمام را يك مرتبه دادند البته يك مرتبه کسر می شود اگر بتدریج دادند بتدریج کسر می شود این وسیله می شد که صاحبان خالصجات انتقالی عجله کنند در خریدن تفاوت منالشان و زودتر بصورت اربابی در بیاورند و تا وقتی هم که نخریده بودند مالیات خالصگی میدادند ولی در مجلس گفتند خیر از اول ۱۳۰۷ باید مالیات اربابی بدهند و تفاوت را بخرند این بود که عملی نشد حالا دولت میخواهد برگردد به آن صورت ولی در این جا هم بنده يك عیب دیگری می بینم و آن این است که تکلیف وزارت مالیه نسبت به مردم معلوم است ولی تکلیف مردم نسبت به مالیه معلوم نیست بنده خواستم اطلاعاتی تقاضاهائی که پارسال از بعضی نقاط به بنده رسیده است عرض کنم نذر می دادند که محصول ملك را توقیف کرده اند و میگویند بموجب قانون محصول ملك وثیقه باز خرید اقساط است ما می گوئیم خوب اقساط را معین کنید تا ما پردازیم می گویند دستور از وزارت مالیه رسیده است دستور ممیزی کردن و تعیین قسط به آنها رسیده است ولیکن محصول را توقیف میکنند برای پرداخت اقساط البته اگر کسی وزارت مالیه ملکش را ممیزی کرد و قسط آنرا معین کرد و مبالغی را که باید آن شخص پردازد نپرداخت البته باید جریمه شود جریمه بهتر از این نیست که بگوئیم همان منال خالصگی را بدهد اما يك مالکی اگر بگوید حاضرم و بگويد ملك مرا ممیزی بکنید قسطم را معلوم بکنید میخواهم يك مرتبه بدهم اگر بگویند حالا نمی شود و نمیتوانیم باید باشد و در این لایحه این مسئله هیچ معلوم نیست که وزارت مالیه الزام دارد این کار را بکند یا خیر و نمیکند مثل این است که بنده صد تومان از يك کسی قرض کنم و شرط کنم که تا هر وقت که او در مقام مطالبه بر نیامد من ماهی ده تومان بدهم البته طرف هیچوقت در مقام مطالبه بر نخواهد آمد و ترجیح خواهد داد که همه ماهه ده تومان از من بگیرد تا این که صد تومان یکدفعه بگیرد پس باید برای وزارت مالیه يك تکلیفی معلوم بشود وزارت مالیه البته هیچوقت میل ندارد که ممیزی بکند و مالیات خالصگی را بصورت اربابی در بیاورند و بگویند

منال ماکم شده است عایدات ما کسر شده است اما تکلیف طرف چه چیز است تا آخر ۳۱۰، ۳۱۱ ممیزی نمیکنند و میگویند معلوم نشده پس تو منال خالصگی را بده تا هر وقت من معین کنم شاید وزارت مالیه يك ترنیمی داده باشد که زودتر معین کنند البته در مرکز مراقبت میکنند تا کید هم میکنند ولی در ولایات نمی کنند و يك اختلافاتی پیش میاید که اسباب زحمت مردم میشود الا آن شاید خود آقای وزیر مالیه بهتر بداند که چندین مورد را بنده نشان داده ام که يك جا محصول ملك را توقیف کرده اند و قسط را برداشته اند و يك جا در مرکز پرداخته اند و هر چه صاحب ملك دوندگی می کند و میگوید آقا دوجاز من گرفته اید یکی را حساب کنید می گویند موقوف برسد گی است. رسید دارد هم از مرکز و هم از مالیه محل ولی میگویند تا ما تحقیق نکنیم جواب نمیدهیم. مدتها میدوند برای این کار و بجائی نرسیده است در همین نزدیکی های طهران یکی از مالکین قسطنطنیه را در مرکز پرداخته است و رسید خزانه را هم در دست دارد اداره عایدات هم تصدیق کرده است ولی در محل هم محصولش را توقیف کرده اند هر چه میگوید که بنویسید من قسطنطنیه را پرداخته ام چرا محصول را توقیف کرده اند هنوز خودشان را راضی نکرده اند که این رسید خزانه را تصدیق کنند. حالا تصدیق فرمائید که این مزاحمتها برای مالیه آتقدرها خوب نیست که يك جا پول درامی گیرند و يك جا محصول را توقیف میکنند و هر چه رئیس مالیه اظهار میکنند که آقا روی این دوسه رسید پول را بنویسید میگوید من چطور بنویسم حالا صبر کنید و باشد. وقتی پول را گرفته اند از گفتن حرف حق چه احترازی دارند و چرا خود داری میکنند حالا این وضعیات يك عیب های دیگر هم دارد که البته خودتان بهتر مستحضرید بنده میخواهم عرض کنم و وقتیکه يك اشخاصی اقساطشان را پرداخته اند و تغلل میکنند از آنها باید جریمه بگیرند ولی از این طرف هم يك تکلیفی معین بکنید که اگر وزارت مالیه هم این کار را نکرد و مامورین رفتند گفتند که ما حالا مامور نداریم و ممیزی نداریم در صورتیکه من حاضر تمام قسطنطنیه را پردازم برای اینهم تکلیفی تعیین کنید آنوقت من باید الی الابد

مالیات خالصگی پردازم برای اینکه وزارت مالیه نخواسته است یا توانسته است ترتیب قسط باز خرید را معین کند این در این قانون نیست در سایر قسمت های این قانون البته خیلی خوب است و تاکید می شود که قانون را خوب بموقع اجرا گذارند و حقیقتاً عنوان خالصجات انتقالی را بردارند تا مالیات ارضی تمام بصورت واحد در آید. اما اگر وزارت مالیه تکلیف مالکین را معلوم نکرده چه باید بشود هر قدر باید تقاضا کند و اصرار کند که پائید مالیات ملك را معین کنید تا پردازم هی وزارت مالیه می گوید صبر کن و مالیات خالصگی بده این نمی شود. پس اگر این قسمت را يك چاره برایش بکنید و اصلاح فرمائید دیگر نقص در این قانون نیست و بنده بقین دارم که تا آخر ۱۳۱۰ تمام خالصجات انتقالی بصورت اربابی درمیاید.

وزیر مالیه - يك مطلب خارج از این موضوع فرمودند که باید اول جواب آنرا عرض کنم. فرمودند در بعضی جاها میروند مالیات را از مردم میگیرند و دو دفعه از آنها مطالبه می شود جریانش بطوء دارد. این را بنده رد نمیکنم زیرا در جریان امر ممکن است بطوء باشد و در جریانات ممکن است اتفاقات و این طور قضایا پیش بیاید البته باید سعی کرد که جریان سریعتر شود ولی خود آقایان می دانند و آقای فهیمی ملاحظه فرموده اند که مادر بودجه مملکتی برخلاف بعضی از ترتیبات قدیم مخصوصاً قانونی گذرانده ام برای استرداد وجوه مأخوذی معوقه یعنی وجوهی که مأخوذ شده ولی قانونی نشده است. و بنده کمتر روزی است که دو تا سه تا ازین درخواستها امضاء نکنم که پولی گرفته اند من غیر قانون و برای رد وجوهی که اخذ شده و اشتباه شده. و اگر از این موارد باطلاعتان برسند در مستحضر فرمائید و بنده سعی و تاکید میکنم که جریان را سریع کنیم و دوباره میدهم و مطمئن باشید که تند یا کند ممکن نیست پولی من غیر قانون گرفته شود و مسترد نشود. منتهی اگر میفرمائید کند است البته در مواعقی که مطلع می شویم پیش بینی میکنیم که تندر باشد.

اما در باب ایرادی که باصل لایحه فرمودید بنده

عرض کردم خیلی معتقد باین لایحه هستم و مخصوصاً آقایان نظرها و ملاحظاتی که داشتند از هر طرف کرده اند و تکمیل شده و کمان نمیکنم هیچ نقص جزئی هم باقی مانده و اگر درست ملاحظه فرمودید این شبهه و ایراد هم مرتفع می شود. برای اینکه اولاً حالا دولت بموجب قانون اخیری که متمم آنرا هم بمجلس آورده تمام مملکت را بدون استثناء ممیزی میکند و مطابق اخباری که داریم مراقبت زیادی در این کار میشود بقدری عمومی است الا این اظهارنامه دادن که امیدواریم باستانی موارد نادری که نمیشود گفت هیچک استثناء هم در مملکت نباشد اکثریت عظیم مملکت ممیزی شود. بلکه قریب با تقاضای ممیزی میشود. و این خود بخود ممیزی آخری و نهائی است که از روی دقت میشود و قطعی و کافی است که می شود. و این هم مناط می شود برای هر کس که ملکش ممیزی شده دوباره دولت برای املاکی که ممیزی نشده اظهارنامه و اینها بر ترتیب سابق نخواهد فرستاد و لازم نخواهد بود. اگر در گذشته کسی ملکش ممیزی شده بود و اقساط باز خریدش را نداده بود و مامور دولت رفته بود و محصول را توقیف کرده بود این را بموجب قواعد و قوانین درست کرده زیرا آن اقساط باز خرید دین او بوده و قانون هم معین میکند که باید به سه قسط بدهد دولت هم تکلیفش را معین کرده پس اگر تاخیر انداخت و مامور مالیه توقیف کرد کار بیقاعده نکرده در صورتیکه در اکثر موارد هم این کار نشده ارفاق شده و اگر نداده اند باز ارفاق شده و دلیل قاطع هم اینست که الا آن نصف خالصجات انتقالی وجه باز خریدش تادیه نشده است در صد پنجاه این طور است و منظور دولت این است که البته سخت گیری در این کار نشود ولی اگر مجری شده بود و مامور مالیه رفت محصول را توقیف کرد کار بیقاعده کرده است. در این صورت این هم از آن مواردی است که اگر باطلاعتان رسید فرمائید تا بنده بگویم بی قاعده است و محصولی که توقیف شده باید برگردد و از توقیف خارج شود. اما در این مورد بنده در کمیسیون هم خدمت آقایان عرض کردم این جا هم عرض میکنم در قانون ۱۳۰۶ معین شده بود که تا دو سال دولت باید ممیزی

را بکند یعنی تا اتمهای دو سال دولت حق دارد این ممیزی این نبوده که ماه اول ممیزی کند یا ماه پنجم. در ظرف بیست و سه ماه هم می تواند ممیزی کند پس دو سال یعنی در ظرف دو سال و يك ماه کمتر حق دارد ممیزی بکند و اعتراض با و وارد نیست. هر چه را ممیزی کرده کرده و هر چه را که نکرده البته قصوری وارد است که دولت چرا ممیزی نکرده است. دو سال از آن تاریخ میگذرد یعنی از تاریخ آن دو سال دو سال هم میگذرد که دولت تأخیر کرده و باید به تناسب این يك ارفاقی می شد. و يك دو سال دیگر باین قسم املاک مهلت داده شده. اینکه میفرمائید جریمه داده اند حتی اگر ملاحظه فرموده باشید در قانون خالصجات انتقالی با وجود اینکه از آن اول اربابی شده مطابق قانون فقط دینی داشته بدولت که این را در صورت ممیزی شدن به سه قسط بدهند و در صورتیکه نداده اند و تاخیر هم انداخته اند هیچ جریمه منظور نشده بود تا امروز اگر الا آن هم این قانون را نیآورده بودیم تا پنج سال دیگر هم همینطور بود اما آقایان البته در منافع مملکت بیشتر مراقبت دارید و نظر دارید آیا اصلاح است که وزارت مالیه علاوه بر همین این کارهایی که دارد يك دفتر مخصوصی هم داشته باشد برای اینکه مراقب باشد این چیزی که فروخته است کی دوتومانش را میدهد کی يك تومانش را میدهد. این کارها باید تصفیه شود و تمام شود. بنده مکرر عرض کردم اغلب آقایان ملاحظه فرموده اند و تصدیق دارند که تمام آن ملاحظاتی که لازم بوده دولت در این قانون کرده و اگر چیزی هم فرو گذار شده بود خود آقایان فرمودند و بنده هم قبول کردم و کمان میکنم يك لایحه کاملی است که به منفعت خود آنهاست که هر چه خالصه انتقالی دارند و برای قلع آنهاست که هر چه زودتر این را بدهند و ملکشان بی غل و غش و خالص در دستشان بماند و خیر وزارت مالیه هم است که هم پولش وصول شود و هم کارش تصفیه شود که این یکی هم جزو گذشته شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای کارزونی

کاررونی - عرض میکنم بنده اعتراف میکنم قانونی که از روی عدل و انصاف تدوین شده همین قانون است البته ما هم با کمال میل تصویب میکنیم لکن استدعایمکنم آقای وزیر محترم توجهی فرمایند. البته باز خرید مابه التفاوت در صورتی ممکن است که ملک ممیزی شده باشد

رئیس - آقا در کفایت مذاکرات بفرمائید
کاررونی - خیلی خوب آخرش میرسد (خنده نمایندگان)
عرض میکنم چون اینجا فرمودند وزیر محترم که ممیزی بالطبع میشود بسیار خوب لکن اگر اتفاقاً یک جائی قصور از طرف مأمورین دولت شد تکلیف شخص مالک چیست از اینجهت بنده مخالف بودم با کفایت مذاکرات که در این باب مذاکرات بیشتری شود و توضیحات بیشتری بدهند که معلوم باشد و بنده هم قانع شوم
رئیس - آقای که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بورود در شور مواد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد آقای وثوق
سید مرتضی خان وثوق - بنده یک پیشنهادی کردم که بجای لایحه دولت راپورت کمیسیون مطرح شود.
رئیس - نمایانم نظر آقایان چیست قرائت میکنیم (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام عالی ریاست مجلس مقدس دامت عظمته بنده عین راپورت کمیسیون قوانین مالیه را بجای لایحه دولت پیشنهاد میکنم.
اعتبار - نمیشود

سید مرتضی خان وثوق - عرض کنم مطابق توضیحی که اینجا داده شده راپورت مطابق همان است که در کمیسیون قوانین مالیه بتصویب رسیده است نهایت با یک تبصره پیشنهادی آقای افشار اگر بنا باشد ماده بماده لایحه دولت را قرائت بفرمائید راپورت طول میکشد وقت گذشته بجلسه بعد می افتد چون آقای وزیر مالیه اصرار دارند

که در این جلسه بگذرد (یعنی برای پیشرفت کار) این بود که بنده پیشنهاد کردم عین راپورت کمیسیون بجای لایحه دولت مطرح شود و بالاخره باید همین رأی بدهیم و یک دفعه هم این مواد قرائت شود و معطل نشویم
کلالی - چه فرقی میکند؟

رئیس - آقای اعتبار شما نظر مخالف دارید
اعتبار - بنظر بنده اشکال دارد
رئیس - چه اشکالی دارد؟
وزیر مالیه - اگر اشکال ندارد بنده موافقم.
رئیس - شما چرا گمان میکنید اشکال دارد؟

اعتبار - بنده تصور میکنم توجه بان خبر دادن اساساً مورد ندارد (راپورت کمیسیون قوانین مالیه) مطابق سوابق لایحه را که پس میگیرند آن لایحه و ضاممش و تمام آثارش یکدفعه میرود بی کار خودش چیزی نیست که پیشنهاد شود. همان لایحه دولت مطرح باشد منتهی هر جا که تفاوت دارد همان را پیشنهاد کنند اصلاح شود.

رئیس - بنظر بنده عیبی ندارد. دلیلش هم اینست وقتی که دولت یک لایحه را قبول میکند بجای لایحه خودش فوراً آن لایحه منقلب میشود به لایحه دولت (صحیح است) ماده اول از خبر که لایحه دولت شده است قرائت میشود.

ماده ۱ - از صاحبان خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون هیچیک از اقساط باز خرید منال دیوانی ملک متصرفی خود را مطابق اقساط معینه در قانون پرداخته باشند از تاریخ تصویب قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ منال خالصگی مطابق آنچه که در ماده ۳ قانون مقرر شده مأخوذ میشود.

رئیس - آقای مؤید احمدی.
فهیمی - اجازه می فرمائید. اخطار دارم. رأی بورود در شور مواد حذف شد

جمعی از نمایندگان - گرفته شد شاید تشریف نداشتید
مؤید احمدی - بنده یک تذکر و یک موضوعی بنظرم آمد که لازم دانستم اینجا بعرض میرسانم و به بیغم وزارت

مالیه در این مورد چه نظری گرفته اند و توضیح بدهند عرض میکنم خالصجات و مخصوصاً خالصجات انتقالی چند موضوع دارد در وزارت مالیه که در قانون هم بعضی از آنها پیش بینی شده است خالصجات املاکی است که دولت مالک آن است حالا بچه عناوین بان ترتیباتی که در وزارت مالیه هست و در کتابهای رقبات دولتی اساس آنها ثبت شده این لغت خالصجات انتقالی یک لغتی است که تازه احداث شده است در دفاتر سابق مالیه باین اسم چیزی نیست و این املاک بر چند قسم است. یک قسم املاکی است که دولت قبل از هزار و سیصد قمری باشخاص انتقال داده فروخته است یا بخشیده است. آنها خیلی کم است، نادر است. یک قسم املاکی است که از هزار و سیصد قمری باینطرف دولت روی یک قاعده که در نظر گرفته این املاک را انتقال دادند باشخاص با جزو جمیع معینی که در هر سال باید این مقدار جنس و این مقدار پول بدهند بعد از آن در ۱۳۲۴ که رژیم تغییر کرد یک رایی مجلس داد که عین آن جنس خالصه که در قوانین اسم برده شده مالکین بپردازند، علتش هم این بود که قبل از ۱۳۲۴ اشخاصی که بهشان منتقل شده بود فرامینی صادر کرده بودند و جنس را تسعیر کرده اند به قیمت نازلی. مجلس رأی داد که عین جنس باشد. و این در بعضی جاها عملی نشده و بین وزارت مالیه و متصرفین املاک دعوی در گرفت که هزار جور اقدام در وزارت مالیه راجع بانها شد و حقیقتاً قانونی که مجلس گذراند یک قانونی بود که این اختلافات را رفع کرد و قانون خوبی بود هم از نقطه نظر ارفاق بمالکین و آبادی املاک خالصه و هم آبادی مملکت. حقیقتاً این املاک رو بآبادی گذاشت و بعد از این انشاء الله امیدواریم بهتر شود. لکن یکی دو موضوع را در نظر داشتم تذکر بدهم. چون اینجا پیش بینی نشده و آن این است که در قانون خالصجات انتقالی تصریح شده یعنی تعریف شده است برای خالصجات انتقالی که: خالصه انتقالی املاکی است که از هزار و سیصد قمری باینطرف باشخاص انتقال

داده شده و یا اگر چنانچه پیش از هزار و سیصد هم هست طرفین یعنی دولت و متصرف معتقدند باینکه خالصه است. اینهم مضمول این قانون است و آنهائیکه معتقد نیستند یک املاکی در رقبه اسمش هست و قبل از ۱۳۰۰ در دست اشخاص بوده و متصرف بوده اند و امروز هم قائل به خالصگی نیستند. چه کردیم. تبصره دو آمده و راه حلی پیدا کرده که حکمیت باشد اگر اختلاف شد به حکمیت حل می شود دعوی ندارد. یک قسم املاکی است که آنرا بنده میگویم حالا آنهم، حکمیت می رود لکن بنده نظرم این است آنهائیکه تا بحال تحت حکمیت نیامده یعنی دولت میگوید این خالصه است و مالک می گوید خالصه نیست و هنوز ترتیب حکمیت هم داده نشده تکلیف آن ها چیست (فاطمی - معین کرده)
این یکی. موضوع دوم املاکی است که مخصوصاً در قسمت استرآباد آقای هزار جریبی دیشب کاعذ هائی ارائه دادند و در قسمت مازندران که در کتاب رقبات دولتی هم هست شصت سال هفتاد سال هشتاد سال است که بتصرف اشخاص است لکن وزارت مالیه آنها را خالصه می داند گاهی هم یک مکانه باهائیکه هر وقت هم دستش برسد میگوید چون در کتاب رقبه است من ملک را تصرف میکنم لکن ممیزی تا این ساعت نشده تکلیف این ها چیست اینها مالک آنهاست و دولت حقی ندارد یا مضمول این قانون میشود یا اصلاً آنرا خالصه نمیداند که بخرد و اسمش در کتاب رقبه وزارت مالیه است و در این جا رفع این اختلاف نشده و این دعوی باز در وزارت مالیه هست باینکه نظر آقای وزیر مالیه این است که این دعوی را کوتاه کنند و غرض از این قانون این است که اختلافات که بین متصرفین املاک و دولت است مرتفع شود لکن این اسباب زحمت برای متصرفین املاک است که الان مالیه آن ها را خالصه میداند و مالکین آنرا ملک خودشان می دانند ممیزی هم نشده است و تکلیفشان هم معلوم نیست خوب است یک تکلیفی برای آنها معلوم شود که فردا یک اختلاف پیدا نشود. این برد نظر بنده

وزیر مالیه - بنده اول عرض کردم بنظر بنده تمام ملاحظاتی که لازم و ممکن بوده در این قانون شده حالا يك مطالبی هم هست که درجای خود صحیح است و باید يك وقتی حل شود این قانون اساسی خالصجات انتقالی را که تغییر نمیدهد تمام اشکالات بجای خودش هست الا اینکه انوقت گفته بودند به قسط بخرید حالامی گویند اگر در آخر سال نخریدند باز هم می توانید بخرید (صحیح است) آمدیم سر ممیزی آنکه ممیزی شده بود باید بخرد بهمان قیمت آنکه نشده بود در تصرف دولت میروند آنکه اختلاف داشت به حکمیت میروند که در حکمیت قطع میشود حالایک ملک است که دعوی دارد یعنی ملکیت آن موضوع ادعا است مدعی است با دولت اعتراض دارد با دولت بر او اعتراض دارد اگر دست او است و دولت دعوی دارد باز بموجب قانون و مقررات قانون خالصه انتقالی باید حل شود هر وقت حل شود میخورد دوباره اگر دست دولت است و او اعتراض دارد باید اعتراض کنند همه اش بموجب قانون خالصجات انتقالی میشود ما این قانون را برای تغییر اساسی آن کار نیاورده ایم فقط برای اینست که باز خرید معوق نماند فقط راجع به مسئله باز خرید است البته بآن کار خلی وارد نمیآورد اشکال اگر داشته باشد حل میشود و اشکال تازه هم توایند نمیکند و آن باید بموجب قانون دیگری حل شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است مذاکرات کافی است

رئیس - رأی میگیریم بماده اول آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم فرائت میشود

ماده ۲ - در مورد خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون تمام اقساط باز خرید منال ملک پرداخته نشده است نسبت بآن قسمتی از ملک که منال خالصگی آن بخرید و قسط پرداخته شده مالیات ملک اربابی و نسبت بآن

تمام قیمت باز خرید یکباره پرداخته شود مگر در مورد خالصجات انتقالی که تا اول دیماه ۱۳۰۹ از طرف دولت در ممیزی آنها اقدام نشده است و یا املاکی که خالصه انتقالی بودن آنها بین دولت و افراد متنازع فیه بوده و مدارک اعتراض برخالصگی تا آخر سال ۱۳۰۹ بوزارت مالیه داده شده و منتظر رسیدگی است صاحبان املاک مزبور در مورد اول بعد از تعیین مالیات اربابی آنها مطابق قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ و در مورد ثانی پس از قطع دعوی و صدور حکم برخالصگی می توانند تا آخر سال ۱۳۱۱ قیمت باز خرید را در دو قسط مساوی سالیانه پردازند ولی معذک مقررات ماده اول و دوم این قانون درباره آنها مجری خواهد شد.

رئیس - آقای ملک

ملک مدنی - عرض کنم بنده این جا دو نظر داشتم که میخوانستم تذکریدم که در این ماده ۳ اصلاح شود یکی اینکه در آن قسمتی که اگر مابین دولت و صاحب ملکی اختلاف شد قید شده تا آخر ۱۳۰۹ مدارک خودش را تسلیم و تحویل کرده (در صورتیکه تحویل کرده باشد) آمدیم يك اختلافی هست بین مالک و وزارت مالیه که مدارک خودش را تا آخر ۳۰۹ تسلیم نکرده این تذکری که این جا شده بنظر بنده یا باید حذف کرد یا این که اختیاری داد که تا آخر ۱۳۱۱ هم مدت قائل شویم که مدارکش را حق داشته باشد تحویل دهد. شاید تقاطی باشد که مالک اعتراض مالیه را تصدیق ندارد و محقق هم نشده که مدارک تحویل کند خواستم به این خصوص نظرشان چیست. قدری ابهام دارد. آمدیم در قسمت املاکی که اختلاف مابین صاحبان آنها و وزارت مالیه هست تا آخر ۱۳۱۱ می توانند اقساطشان را پردازند در صورتیکه اختلافشان را رفع کرده باشند معاکمات وزارت مالیه اصولاً بطور دارد حالا نه اینکه معاکمات وزارت مالیه این طور است بلکه با همه تسریعی که در عدلیه ماشده باز يك بطور در معاکم هست (کلالی - بحکمیت میروند) اجازه میفرمائید اگر آمدیم فرض کنید اختلافی هست بین وزارت مالیه و صاحب يك ملک این اختلاف تا آخر هزار و سیصد و یازده رفع نشد اواخر هزار و سیصد و یازده رفع شد

آنوقت از این مدنی که ارفاق کرده اند اوسمی توان استفاده کند اقساط باز خرید را. این شخص که ملکش مورد اختلاف واقع شده فرض کنیم يك ماه به آخر سال هزار و سیصد و یازده مانده اختلافش مرتفع شد این يك جا باید بدهد و درباره این ارفاقی نشده. اغلب تقاطی که مورد اختلاف شده و در وزارت مالیه هست اینها هر کدامشان تا یکسال دیگر اختلافشان حل نمی شود. وزارت مالیه باید با دقت رسیدگی کند و رسیدگی با دقت هم مستلزم يك وقت وسیعی است. عقیده بنده این است که باید قائل شویم آنچهائی که اختلاف هست پس از رفع اختلاف پس از دو سال پردازد یعنی از مدتی که اختلاف رفع شد دو سال حساب شود که در واقع آنها هم از آن ارفاق استفاده کرده باشند. از روزی که اختلاف رفع شد در ظرف دو سال به دو قسط حق داشته باشد تأدیبه و استفاده کند حکومت هم دست وزارت مالیه است. برای اینکه ما وقتی ضرب الاجل را تا آخر هزار و سیصد و یازده قائل شدیم ممکن است معاکمات مالیه يك نظرهای خصوصی در کار قائل شوند و همینطور امروز فردا کنند و يك ماه به آخر سال ۱۳۱۱ مانده رفع اختلاف کنند بعدا باید يك جا به پردازد و آن کسی که مشمول این قسمت می شود نمی تواند از ارفاق استفاده کند. این مقصود بنده بود يك جمله دیگری هم می خواستم به آقای وزیر مالیه عرض کنم. آن يك تذکری بود برای اینکه در موقع دیگر تصدیق نداده باشم حالا عرض میکنم. اشخاصی که اقساطشان را یکجا تماماً پرداخته اند آنها را باید در نظر بگیرد که يك سندی بهشان بدهد خیال میکنم اغلب آقایان هم با این نظر موافق باشند زیرا اغلب اقساطشان را هم سه قسط مساوی تا آخر ۳۰۹ پرداخته اند رسید به آنها نداده اند هر چه به مالیه ها مراجعه میکنند مالیه ها هم بی تصمیمند زیرا دستوری از وزارتخانه برای آنها نرسیده است. این کار را باید حضرتعالی يك ورقه چاپ شده در نظر بگیرید که هر کس مالیات خالصگیش را پرداخته يك چیزی باو بدهند که در واقع سندی برای او شده باشد که اقساطش را پرداخته.

وزیر مالیه - این مطلب آخری که فرمودند مانعی ندارد

ولی حالا يك موردی هم مورد اختلاف شد ممکن هست بطور عمومی بگوئیم يك نوشته بدهند و اهمیت ندارد اما در اول خدمت آقایان عرض کردم در مسئله اینکه هر کسی که تا آخر سال نداده باشد يك ماه از اول سال گذشته داد یا بعد از آن کسی حکمت دارد دعوی دارد بعدها داد خوب اگر ماتم این استناها را بگذاریم که خیلی مفصل می شود اول قانون که بمجلس آورده شده مبنی بر این بوده است که هر کس که تا بحال نداده است چه میزری شده است چه نشده است بعد از این باید يك جا بدهند آقایان فرمودند و تشویق و ترغیب کردند که اگر میزری از طرف دولت نشده و قصور از دولت بوده چطور؟ گفتیم خیلی خوب این هم یکسال ارفاق شود فرمودند اگر اختلافی بوده و رجوع بحکمت و اینها شده خوب همه وقت هر کس می تواند مدعی شود خود آقایان فرمودند که اگر در آخر سال نداده باشد بایستی یکمرتبه پرداخته شود ولی حالا چونکه مطلب زیاد است حاشیه مطلب زیاد می شود یعنی اگر گفتند می شد که آنهایی که نداده اند بواسطه اختلاف خالصه می شود و بعد از آن دیگر حق باز خرید ندارد این البته يك مطلب سنگینی بود تمام شقوقش باید نوشته شود ولی مطاب اینجاست که آنکسانی که قسطشان داده شده يك قسط پرداخته اند یا اینکه پرداخته اند تمام اینها بهش ارفاق شود اجازه داده شود باینکه پرداختند تا موقع اجرای این قانون بعد از موقع اجرای این قانون هم باید تا آخر سال اقساط داده باشد بعد از آخر سال باز هم يك جا باید پرداخته شود دو مورد هم باز استثنا شده است که آنجا باز با قسط می پردازند تا آخر سال آینده ولی اگر این را لایتناهی قرار دهیم خوب يك مورد دیگر را پیش بینی نکردیم خوب بعد از این ممکن است اختلاف پیش بیاید او آمد ادعا کرد او را هم باید پیش بینی کنیم عرض کردم آن حکم عمومی خالصجات انتقالی که قرض نشده است اگر دوباره نباشد باینکه و پردازند برای ما زحمت است این است که گفتیم يك جا پردازند و این را اگر اینجور بگذاریم دفتر ما همیشه باز میماند و این منظوری که در خاطر هست حاصل نمی شود.

قسمت داشت يك قسمت مربوط باموال غیر منقول بود اولاً گذشت و بعد در این اواخر يك لایحه هم راجع بدعاوی منقوله آوردند اما در قسمت اختلافات دولت با مردم و برعکس در قسمت خالصجات انتقالی و قبضه قانونش گذشت خاطر من است گفته شد همان طوری که در قانون خالصجات انتقالی گفته شده همانطور باشد در آنجا يك مدتتهائی معین شده است ولی بنده خیال میکنم اگر در اینجا آقای وزیر مالیه موافقت میکردند و يك ماده اضافه می شد که مردم و دولت هر دو را محدود میکردند که نامدت معینی هر کدام اختلاف دارند راجع باملاك خالصه انتقالی بیاورند روی کاغذ و دوسیه بالاخره هر وقت تمام شد بشود ولی دعوی را اقامه بکنند که بعد از مثلاً یکسال (بعقیده بنده یکسال کافی است) بعد از یکسال هیچ دعوائی از مردم نسبت بوزارت مالیه و همینطور از وزارت مالیه نسبت باملاك مردم پذیرفته نشود گمان می کنم که هم بنفسعت مردم است و هم بفق وزارت مالیه ولی اینطوری که هست بالاخره مبحث اختلاف مالیه راجع بخالصجات انتقالی باین زود بیا تمام نمیشود چرا برای اینکه مدرکشان رقبه است رقبه را هر روز که بخواهند مراجعه میکنند يك مرتبه يك مواردی را استخراج میکنند و میدهند بمالیه و لایات بعد از این هم هر وقتی خواستند باز استخراج میکنند و تازه اقامه دعوی میکنند بر علیه يك کسی که این ملك خالصه است خالصه انتقالی است و سابقه دارد بنده عقیده ام این است که اگر وزارت مالیه موفق شود در ظرف شش ماه یکسال آنچه که حرف دارد هر چه که وزارت مالیه حرف دارد نسبت باملاك در ظرف شش ماه یکسال بگوید و تمام شود گفتگوها و همین طور مردم هم مکلف باشند هر گونه مدارك دارند بتدریج تا یکسال بدهند و این دعاوی و اختلافات يك جوری بطریق حکمت یا جور دیگر حل می شود ولی اینکه این قسمت مسکوت عنه بماند هم بمیل مردم و هم بمیل وزارت مالیه و همیشه این اختلافات باشد و يك قسمت زیادی از اوقات محاکمات مالیه یا بطور حکمت تلف شود و صرف این کار شود بعقیده بنده نه مصلحت دولت است نه مصلحت مالکین (صحیح است)

وزیر مالیه - بیاناتی که آقای یاسائی فرمودند موضوع معین و مشخص بالخصوصی است که در واقع میخواهند قانون را تکمیل بفرمایند یعنی يك مطلب دیگر يك اشکال دیگر هم که مربوط بخالصه انتقالی است آن هم حل شود ولی این مسئله چون محتاج بمطالعه است و بنده یقین ندارم که بخیر عامه باشد شاید بخیرشان باشد و شاید هم نباشد ولی در هر حال باید عرض کنم اختلافاتی که نسبت بخالصه انتقالی پیدا میشود یا هیچ نیست یا خیلی محدود است اولاً مسئله اینکه ملك خالصه است این لایتناهی است اگر به ثبت نرسند همیشه مثل این است که يك دربی باز است برای ادعا مالیه می گوید مال دولت است او می گوید مال دولت نیست ملك من است خالصه انتقالی نیست اما برای خالصه انتقالی بودن اینهمه و لوله که همه دانستند که می شود خالصه انتقالی را بقیمت نا اندازه معتدلی بخودشان واگذار کنند هیچ نباید اظهار بکنند و دولت هم اظهار نکند در صورتیکه دولت در تمام ولایات این را اظهار کرد و ابلاغ کرد بمالکین و اینها عرض میکنم که این هیچ نمیشود ولی نادر است و اگر همچو چیز نادری هم باشد عجلتاً ضرر زیادی متوجه نمیشود که این در باز بماند تا یکسال دوسال باز خرید کنند ولی بعدها اگر لازم شد که باید برای دعاوی غیر منقول دولت و افراد هم يك مرور زمانی قائل شد آنهم ممکن است در ضمن قوانین عدلیه بیاید بمجلس و اصلاً از طرف دیگر آقایان متوجهند که این مسئله ثبت اسناد اعتراضات خوابیده را بلند میکند و مجبور میشوند يك طرفی بکنند لهذا عجلتاً خواهش میکنم از این مسئله باز خرید ما را راحت بفرمائید

جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهاد ها قرائت می شود.

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بجای پس از قطع دعوی الی آخر نوشته شود از تاریخ قطع دعوی و صدور حکم برخالصگی می تواند قیمت باز خرید را در دو قسط مساوی

سالیانه پیردازند الی آخر

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - اینجا مطلب همان است که آقایان هم توضیح دادند که این دعوی ممکن است مدتی طول بکشد اینجا قید میکند تا آخر ۳۱۱ بدوقسط متساوی سالیانه این غالباً مورد پیدا نمیکند یعنی ممکن است یکسال یکسالونیم دعوی طول بکشد و آنوقت مورد پیدا نمیکند برای اینکه وزارت مالیه هم شرکت کند در تعقیب امر و مالکین هم مکلف باشند بانجام این عمل باز خرید بنده این پیشنهاد را کردم اصل مقصود این است که جمله تا آخر ۳۱۱ برداشته شود و قید شود که پس از ختم دعوی در ظرف دو سال بدوقسط متساوی سالیانه هر وقت که تمام شد آنوقت پس از ختم را از تاریخ قرار دهند آنوقت اینطور خواهد شد که پس از ختم دعوی و صدور حکم بر خالصگی میتواند در دو قسط متساوی سالیانه پیردازند هر وقت که دعوی تمام شد و حکم خالصگی صادر شد از این تاریخ تا دو سال بدوقسط متساوی میتواند پیردازند البته مانعی هم نخواهد بود که زودتر پیردازند ولی ارفاقی را که وزارت مالیه در این ماده در نظر گرفته اند آنوقت موضوع پیدا میکند.

وزیر مالیه - تمنی دارم باز این ماده را یک مرتبه دیگر مطالعه دقیقی بفرمائید و تصدیق بفرمائید که مطابق همان چیزی که عرض کردم این بهتر است و همانطوریکه آقای یاسائی فرمودند میخواهیم یک کاری بکنیم که زودتر این دعوی و اعتراضات از میان برود و تمام شود ولی این سبب می شود که هر کسی هم که دعوی را بیاورد یک ارفاقی بهش بشود اولاً همه اش که دعوی نیست اگر قانون خاصه انتقالی را در نظر بگیرد حکمیت هم منظور کردیم برایش همه اش که محاکمات عدلیه و محاکمات مالیه که نیست که وقت معین کنند اگر طرف حاضر نشد حق رسیدگی غیابی داشته باشد حکمیت است پس در اینصورت هر چه

مدت و ضرب الاجل را محدود کنیم برای آن نظر و مقصودی که داریم بهتر میشود و سبب میشود که هر کس بتواند با قسط پیردازد و مجبور باشد یکسال پیردازد والا اگر این را سالیانه سال و بطور دائم بگذرانید هر وقت که شد دوباره اطلاع بدهیم انسان اگر بخواهد خودش را راحت کند میگوید این بولم این هم سندم این کار یک ساعت است اما یک کتابی درست بکنیم که چند تومانش را حالا داد چند تومانش را سال آینده داد آباقسط اولش را داده است مامی خواهیم زحمت را موقوف کنیم لهذا موافقت بفرمائید که اگر تاخیر کرد تا آخر دو سال این جریان داشته باشد که یک جابدهد با استثنای آن در مورد که آنها حق دارند تا آخر سال بدهند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فهیمی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای کازرونی قرائت میشود بعضی از نمایندگان - استرداد کردند پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بعد از جمله نسبت بخالصجات انتقالی اضافه شود - که ممیزی شده باشد

کازرونی - توضیح زیادی ندارد شاید در اصل این لایحه هم که جدیداً تبدیل شد ذکر شده باشد لکن البته منافات ندارد مسلم است خود آقای وزیر هم اعتراف میکنند که در صورتی این حق برشان تعلق میگیرد که ممیزی شده باشد نهایت اطمینان میدهند که بزودی ممیزیها انجام خواهد گرفت بنده همان صفتی را که (البته) باید داشته باشد اضافه بهش کردیم منافاتی هم ندارد

وزیر مالیه - اینجا هم دارد که در صورتیکه ممیزی نشود مطابق قانون سابق رفتار خواهد شد (صحیح است)

رئیس - نظر آقای وزیر مالیه چه بود؟

کازرونی - استرداد میکنم

رئیس - آقای شریعت زاده پیشنهادی داده اند:

پیشنهاد آقای شریعت زاده

رئیس - پیشنهادی از آقای دکتر طاهری رسیده است: پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمة

پیشنهاد میشود در ماده ۳ سطر دوم کلمه (نیامده) تبدیل شود به (نیاید)

دکتر طاهری - بنده یقین دارم که در طبع اشتباه شده است چون این عبارتی که نوشته شده است صحیح نیست برای اینکه نسبت بخالصجات انتقالی که تا آخر سال ۱۳۱۰ معامله باز خرید بعمل نیامده (۳۱۰ سال آینده است آخر ۳۱۰) و اقساط کلا پرداخته نشود این عبارت صحیح نیست باید بجای نیامده بنویسند (نیاید) معامله باز خرید بعمل نیاید و اقساط کلا پرداخته نشود بعضی از نمایندگان - اولی بهتر است

وزیر مالیه - اینجا آقای دکتر طاهری فارسیش را اینطور می پسندند بنده حرفی ندارم ولی بنظر بنده فارسیش همین است چون میگویند اگر کسی فلانجا رفته یا فلان آدم ندیده باشد اگر رفته باشد و ندیده باشد اما اگر هم عقیده شان این است که این بهتر است عرضی ندارم قبول دارم

رئیس - یک بار دیگر ماده را با اصلاحات میخوانیم و رأی میگیریم:

ماده سوم - نسبت بخالصجات انتقالی که تا آخر ۱۳۱۰ معامله باز خرید بعمل نیاید و اقساط کلا پرداخته نشود مزایای قانون ۲۰ اسفند ۱۳۰۶ از حیث پرداخت با قسط زایل شده و باز خرید آنها فقط در صورتی ممکن است که تمام قیمت باز خرید یک مرتبه پرداخته شود مگر در مورد خالصجات انتقالی که تا اول دیماه ۱۳۰۹ از طرف دولت در ممیزی آنها اقدام نشده است و یا املاکی که خالصه انتقالی بودن آنها بین دولت و افراد متنازع فیه بوده و اعتراض کتبی بر خالصگی تا آخر سال ۱۳۰۹ بوزارت مالیه داده شده و منتظر رسیدگی است صاحبان املاک مزبور در مورد اول بعد از تعیین مالیات اربابی آنها مطابق قانون ۱۳

پیشنهاد میکنم در ماده (۳) بجای (مدارک اعتراض برخالصگی) نوشته شود (اعتراض برخالصگی)

شریعت زاده - این اشکال بنظر بنده خیلی قابل توجه است برای اینکه قانون خالصجات انتقالی یک اصولی برای رفع اختلاف بین دولت و مردم که منکر خالصگی هستند معین کرده است و آن اصول باید بمحض ثبوت اختلاف بین دولت و معترض معجری و رسیدگی شود ولی اینجا قید شده است که وقتی از این استثنا مستفیض خواهند شد که مدارک اعتراض را تقدیم کرده باشد در صورتیکه همچو شرطی نیست باید اعتراض کرده باشد وقتی اعتراضی کرد باید مطابق آن اصول رفتار شده باشد ما نمیتوانیم بگوئیم اگر مدارک اعتراض را هم نداده باشد ولو اینکه اعتراضی هم داده باشد از این حق بایستی محروم باشد باین جهت بنده تصریح کردم که اگر اعتراضی هم کرده باشد میتواند

وزیر مالیه - مقصود همان بود که فرمودند عمل اعتراض مقصود نیست اعتراض نامه اش را اگر بدولت تقدیم کرده باشد البته مطابق آن ترتیبی که داریم آن اعتراض نامه اش را داده باشد حالا اگر محکمه نمیرود البته لازم نیست که آن مدارک را آورده باشد سواد مصدقش را تقدیم کرده باشد وقتی که محکمه حکمیت تشکیل می شود البته آنجا مدارکش را می دهد ولی مقصود این است که علی الاصول داده باشد اگر اصلاح بفرمائید (اعتراضنامه او برخالصگی) بوزارت مالیه داده باشد آنوقت بنده هم میتوانم قبول کنم

شریعت زاده - استدعا میکنم تبدیل شود با اعتراضنامه **وزیر مالیه** - عرض مدارک اعتراض نوشته شود با اعتراضنامه برخالصگی

رئیس - اعتراضنامه عبارت سلیسی نیست

وزیر مالیه - بنده نظرم این بود که اعتراض یعنی عمل اعتراض است اگر هم گفته باشد که من اعتراض دارم ممکن است شامل شود ولی مقصود این است که یک کاغذی داده باشم که من اعتراض دارم (اعتراض کتبی) نوشته شود افسر - ممکن است تلگراف بکند

آبان ۱۳۰۹ و در مورد ثانی پس از قطع دعوی و صدور حکم بر خالصگی میتوانند تا آخر سال ۱۳۱۱ قیمت باز خرید را بدو قسط متساوی سالیانه بپردازند ولی معذک مقررات ماده اول و دوم این قانون درباره آنها مجری خواهد شد

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند.
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم
ماده ۴ - این قانون از اول تیرماه ۱۳۱۰ مجری و وزارت مالیه مأمور اجرای آن خواهد بود
رئیس موافقین با ماده چهارم قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه از طرف آقای افشار رسیده است
پیشنهاد آقای افشار

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته نظر بقتل و غارت و صدماتیکه سالیان متوالی وارد سلماس و رضائیه شده و بطوریکه دولت آن دو ولایت را پنج سال از ادای مالیات معاف داشته است ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینماید:

ماده الحاقیه - قیمت باز خرید خالصگی خالصجات انتقالی ولایت رضائیه و سلماس در ظرف دو سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ بدو قسط متساوی ماخوذ و مقررات ماده (۱) و (۲) این قانون از انقضاء مدت دو سال شامل خالصجات انتقالی این دو ولایت خواهد بود.

افشار - البته خاطر نمایندگان محترم و عموم اهالی مستحضر است که رضائیه و سلماس سالیان متوالی دچار مصیبت و انواع مخارج فوق العاده که نظیر آن در تاریخ ایران دیده نشده است بوده و تنها این اواخر در اثر توجهات اعلیحضرت همایونی دو ولایت زیبای ایران از دست اشرار مستخلص شد تمام املاک خانواده های آن باخاک یکسان شده بود اهالی این دو ولایت عشر تقلیل یافته بود بطوریکه باقیمانندگان اهالی و بقیه السیف اهالی محتاج بنان شب

خود بودند دولت مجبور باعطاء اعانه و قرضه شده و پنجسال این دولایت را از مالیات معاف کردند در ۱۳۰۷ سلماس و رضائیه را ممیزی کردند از آن تاریخ تا حال یعنی تا اواخر ۱۳۰۹ مالیات املاک اربابی از این دو ولایت گرفته می شد و مالکین و زارعین خالصجات انتقالی این دو ولایت تصور می کردند که املاک آنها را دولت مشمول تبصره ۲ ماده ۳ قانون خالصجات انتقالی می داند و آنها را اربابی قرار داده است ولی يك مرتبه در اواخر ۱۳۰۹ مالیه محل بنای مطالبه اسناد خالصگی گذارده و بایک فشار فوق العاده اهالی این دو ولایت را تحت تعقیب قرار داده اند باعدم توانائی و فلاکت زارعین و مالکین آنجا و مخصوصا در اثر مصائبی که بوسیله زلزله وارد این دو ولایت شده و اغلب دهات سلماس و رضائیه را با خاك یکسان کرده است اجرای مقررات مواد قانون جدید بهیچوجه در این دو ولایت عمل نخواهد شد و اگر بخواهند این قانون را بطوریکه بتصویب رسیده است در آنجا اجرا کنند بکلی املاک مخروبه این دو ولایت از بین خواهد رفت از این نقطه نظر است که بنده این ماده الحاقیه را پیشنهاد کردم و امیدوارم آقایان قبول بفرمایند (صحیح است)

وزیر مالیه - بنده اگرچه اول باستثناء قائل نبودم ولی بعد از مطالعه در این موضوع چون بالخصوص برای اهالی نقاط آسیب دیده بود و مخصوصاً دولت پنجسال از مالیات معافشان کرده است بنده موافقت کردم و حالا هم اظهار موافقت میکنم با این ماده الحاقیه

رئیس - آقای افسر فرمایشی دارید؟
افسر - بنده موافق بودم اجازه خواستم که اگر مخالفی احتیاطاً پیدا شد عرض کنم.
رئیس - رأی میگیریم بماده الحاقیه بنحوی که قرائت شد آقایان موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه دیگری از آقای شریعت زاده رسیده است

پیشنهاد آقای شریعت زاده

ماده الحاقیه - مقررات قانون مرور زمان نسبت باموال غیر منقول و همچنین مقررات قوانین عمومی راجع به سندیت تصرف متصرفین در مورد املاکیکه دولت مدعی خالصگی آنست مجری خواهد بود

شریعت زاده - بنده بدون مذاقه در تأثیر این ماده الحاقیه این پیشنهاد را کردم فقط از نقطه نظر اقتصادیکه بفکر مندرجه در آن دارم زیرا که من معتقدم در دعاری سیستم قضائی در هر محکمه میخواهد باشد باید طوری باشد که جامعه تصور نکند بین حکومت و خودش تفاوتی است (صحیح است) بدین مناسبت بنده یکی از وظایف مهمه مجلس و دولت میدانم که راجع باین مطلب مخصوص ولو اینکه این پیشنهاد بنده تصویب نشود دقت کافی کنند که از این حیث هیچ نوع اختلافی در مملکت وجود نداشته باشد یکی دیگر راجع بتأثیر قوانین عمومی در خصوص سندیت تصرف متصرفین است این هم يك مطلبی است که اصولاً باید عمومیت داشته باشد بهیچوقت هیچ قوه حق ندارد بگوید در تمام مملکت در تمام محاکم قضائی يك اصلی وجود داشته باشد ولی در مورد طرفیت دولت با يك فردی این اصل مورد استناد واقع نشود باینجهت است که بنده توجه دولت را جلب میکنم اگر موافقت میکنند همین حالا تصویب شود خیلی خوب است ولی اگر بنظر نمایندگان محترم موقعش نباشد آنهم مطلبی است
وزیر مالیه - بنده از اینکه راجع بیک مطلب مهمی نکته مهمی جلب نظر مجلس و دولت را فرمودند خیلی ممنونم و تصدیق هم میکنم که مطلب و موضوع لایق دقت و توجه و مطالعه است و باید قانونی آورد و درست کرد ولی اجازه بفرمائید تمنی کنم که نظر باینکه هر مطلب دیگری حتی این لایحه که بنده بقید دو فوریت آوردم هم آقایان در کمیسیون مطالعه کامل کردند هم ما در وزارت مالیه مطالعه کرده ایم و هم در يك مجمعی از آقایان مذاقه کردیم و گفتیم و تمام اطرافشرا سنجیدیم اینمطلب باریکیکه محتاج

بمطالعه است و بنده حاضر الذهن نیستم که بتوانم بگویم دولت قبول میکند و بسا هست که صالحی را متضمن باشد و حالا الا آن جزو ماده الحاقیه لایحه دو فوریتی بفرمایند مسئله خالصجات و دعاوی مردم بردولت از قدیم خیلی بیجا بیج و مشکل و درهم بوده ولی بعمرور زمان مجلس بواسطه قوانینی که وضع کرده است يك قدری محدودتر و صافتر کرده اند و باز محتاج باینست که خیلی روشن باشد و مسلم باشد و مدارك مسلم باشد و ترتیب محاکمه و تازه يك قانون محاکماتی بین افراد و دولت مجلس تصویب فرموده اند و نظامنامه اش گذشته البته محاکمات مالیه که تشکیل می شود همه جور دقت در آنجا خواهد شد و مطابق معمول قضائی و حقوقی و مدارك صحیحه رفتار میکند و آن اندازه که ممکن است البته دقت می شود ولی تصدیق می فرمائید که این مسئله باریک است از این حیث هم از طرف مردم هم از طرف دولت در بعضی جاها ممکن است گرفتار شوند ملك مسلمی را ممکن بود یکی بگوید رقبه است و قبول است و این زحمتها ولی تصدیق بفرمائید در بعضی جاها آن چیزی که ما خالصه میدانیم و از قدیم هم خالصه بوده مردمی پیدا شده اند که بوسائلی قبول داشته اند الا آن ما مبتلا بهمان است آنرا هم سند تصرف کرده است که از قدیم دست ما بوده است و این اختلافات روز بروز کمتر و محدودتر شده است ولی اگر اجازه بفرمائید ممکن است بنده حاضرم که يك یادداشتی بفرمائید یا يك طرحی بایک لایحه بشینیم مذاکره کنیم در کمیسیون و اینها و تکمیلش کنیم ولی متأسفانه میترسم که بطور فوریت نتوانیم این را قبول کنیم و بسا زحمت تولید شود که خود آقا هم راضی نشوند از این جهت میخواهم خواهش بکنم که استرداد بفرمائید ولی از طرفی جلب نظر دولت و باید این کارها بمجرای صحیح بیفتد منظورشان بود و از طرفی هم مسئله البته قابل توجه است

شریعت زاده - اجازه میفرمائید؟ نظر باینکه از توضیحات آقای وزیر مالیه ثابت می شود که دولت متوجه اهمیت این موضوع است و وعده دادند که باین فکر موافقت کنند بنده هم تقاضا میکنم که عملاً موافقت

کنند که ماده واحده یا یک طرحی پیشنهاد شود ولی البته این حق را حفظ میکنیم که اگر نشود بعنوان يك ماده واحده یا یک طرح دیگری که مقتضی باشد این فکر اعمال خواهد شد فعلاً استرداد میکنم

رئیس - مذاکره در کلیات است (گفتند مخالفی نیست) موافقین با مجموع قانون بوضعی که گذشت قیام فرمایند (اغلب نمایندگان برخاستند) تصویب شد.

[۹ - اقتراع برای شرفیای حضور همایونی]

رئیس - روز چهارشنبه عید اضحی است و بایستی برای شرفیای حضور ملوکانه هیئتی استقراع شود این است که استقراع می شود:

(اقتراع بعمل آمده آقایان منفصله الاسامی معین گردیدند) آقای ملک آرائی - آقای معتمد سنک - آقای فهیمی آقای حکمت - آقای بیات ماکو - آقای میرزا محمد تقی طباطبائی آقای مردهمی - آقای دهستانی آقای اقبال - آقای دکتر ملک زاده - آقای میرزا محمد حسین نواب - آقای کازرونی

[۱۰ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده پنجشنبه نهم اردی بهشت سه ساعت قبل از ظهر در مرحله اولی دستور شور اول لایحه اقامت اتباع خارجی در ایران و بعد باقی لوایح موجوده

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اجازه استخدام سه نفر متخصص امریکائی برای خدمت در راه آهن جنوب

ماده واحده - وزارت طرق مجاز است سه نفر متخصص امریکائی را برای خدمات ذیل در راه آهن جنوب بمدت دو سال استخدام نماید:

۱ - يك نفر متخصص لکوموتیف

۲ - يک نفر برای سوار کردن ماشین آلات و مدیریت ماشین خانه

۳ - يک نفر برای نگاهداری و مراقبت خطوط راه آهن

حقوق هر يك از مستخدمین مزبور سالیانه سه هزار دلار است و برای آمدن هر يك از آنها به ایران هفتصد دلار و همچنین برای مراجعت هر يك از آنها هفتصد دلار خرج سفر پرداخته خواهد شد و وزارت مالیه مجاز است مبلغ مزبور را از محل اعتبار عایدات انحصار قندو شکر و چای بپردازد سایر شرایط کذاست مستخدمین مزبور بر طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تمام قانون مالیات خالصجات انتقالی

ماده ۱ - از صاحبان خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون هیچ يك از اقساط باز خرید منال دیوانی ملک متصرفی خود را مطابق اقساط معینه در قانون نیرداخته باشند از تاریخ تصویب قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ منال خالصگی مطابق آنچه که در ماده ۳ قانون مزبور مقرر شده مأخوذ میشود

ماده ۲ - در مورد خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون تمام اقساط باز خرید منال ملک پرداخته نشده است نسبت بآن قسمتی از ملک که منال خالصگی آن باز خرید و قسط پرداخته شده مالیات ملک اربابی و نسبت بآن قسمتی که قسط پرداخته نشده منال خالصه انتقالی مطابق ماده ۳ قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ مأخوذ خواهد شد

ماده ۳ - نسبت بخالصجات انتقالی که تا آخر سال ۱۳۱۰ معامله باز خرید بعمل نیاید و اقساط کلا پرداخته نشود مزایای قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ از حیث پرداخت باقساط زایل شده و باز خرید آنها فقط در صورتی ممکن است که تمام قیمت باز خرید يك مرتبه پرداخته شود مگر در مورد خالصجات انتقالی که تا اول دی ماه ۱۳۰۹ از طرف دولت در ممیزی آنها اقدام نشده است و با املاکی که خالصه انتقالی بودن آنها بین دولت و افراد متنازع فیه بوده و اعتراض کتبی بر خالصگی تا آخر سال ۱۳۰۹ بوزارت مالیه داده شده و منتظر رسیدگی است صاحبان املاک مزبوره در مورد اول بعد از تعیین مالیات اربابی آنها مطابق قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ و در مورد ثانی پس از قطع دعوی و صدور حکم بر خالصگی میتوانند تا آخر سال

۱۳۱۱ قیمت باز خرید را در دو قسط متساوی سالیانه بپردازند ولی معذک مقرر است ماده اول و دوم این قانون در باره آنها مجری خواهد بود

ماده ۴ - قیمت باز خرید خالصکی خالصجات انتقالی ولایت رضائیه و سلیمان در ظرف دو سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ بدو قسط متساوی مأخوذ و مقررات ماده (۱) و (۲) این قانون از انقضاء مدت دو سال شامل خالصجات انتقالی این دو ولایت خواهد بود.

ماده ۵ - این قانون از اول تیر ماه ۱۳۱۰ مجری و وزارت مالیه مأمور اجرای آن خواهد بود این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه پنجم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و ده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر